

نسبت معماری و رتوریک

بازاندیشی در ریشه‌های مشترک^۱

ضحی ندیمی^۲

کاظم مندگاری^۳

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، ایران

دریافت: ۱۶ تیر ۱۴۰۰
پذیرش: ۸ آذر ۱۴۰۰
(صفحه ۷-۲۴)

زهرة تفضلی^۴

استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ندیمی، ض، ک. مندگاری و ز. تفضلی. ۱۴۰۲. نسبت معماری و رتوریک؛ بازاندیشی در ریشه‌های مشترک. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳ (۴): ۷-۲۴.
کلیدواژگان: رتوریک، آرشیکتونیک، معماری، تألیف، انسجام.

چکیده

با نگاهی به تاریخ تئوری‌های معماری و انکا به نظر اندیشمندان می‌توان گفت که معماری و رتوریک در طول تاریخ با یکدیگر نسبت داشته‌اند. به نظر می‌رسد تأمل در این نسبت می‌تواند افق‌های جدیدی بر روی اندیشه معماری بگشاید. اما از آنجا که رتوریک معانی متطوری در طول تاریخ داشته، این نسبت نیز در سطوح مختلفی برقرار شده و ارمغان‌های متفاوتی برای معماری آورده است.

در این مقاله ابتدا نسبت‌های محقق میان معماری و رتوریک، در سه سطح مختلف، که ماحصل فهم متفاوت سه گروه از صاحب‌نظران از رتوریک است، شرح داده می‌شوند. گروه اول رتوریک را به مثابه ارتباطات و گروه دوم آن را به مثابه فن سخن‌پردازی تعریف می‌کنند، اما گروه سوم طراحی‌پژوهانی هستند که ضمن تعمق در باب نسبت رتوریک و مباحث طراحی، رتوریک را به مثابه «خطابه»، «بلاغت»، و یا «ارتباطات» نمی‌دانند، بلکه به مثابه «هنر تألیف» شناخته‌اند و از قرابت‌های «هنر تألیف» با «طراحی» سخن گفته‌اند. از این نظرگاه، رتوریک و معماری هر دو معرفت تألیف هستند. در این نوشتار استدلال می‌شود که گروه اخیر دریچه‌ای بر عمیق‌ترین فهم از دانش رتوریک و پرثمرترین پیوند میان رتوریک و معماری گشوده‌اند. از آنجا که مطالب

ایشان در حوزه گسترده طراحی و به صورت پراکنده و غیرمنسجم بیان شده است، در این نوشتار ضمن شرح و بسط رتوریک به مثابه «هنر تألیف»، قابلیت تألیف‌گری رتوریک در سه سطح تألیف اجزاء، تألیف افق انسان‌ها (اقتاع)، و تألیف دانش‌ها و معرفت‌ها توضیح داده می‌شود. این در حالی است که مسئله مهم معماری امروز نیز هم‌افق نبودن معماران و مخاطبان‌شان و همچنین فقدان انسجام میان معرفت‌های مختلف دخیل در معماری است. با فهم رتوریک به مثابه هنر تألیف و پیوند معماری و رتوریک، در پرتو این فهم می‌توان از منظر دیگری به معماری نگریست و انسجام از دست‌رفته در معماری را بار دیگر احیا کرد.

مقدمه

معماری و رتوریک^۵ در طول تاریخ پیوندی دیرینه و بسیار نزدیک با یکدیگر داشته‌اند. این نسبت را به صورت آشکاری در رساله معماری ویتروویوس و نظریات آلبرتی در باب معماری می‌توان جست. بسیاری از واژگان و اصطلاحاتی که در حوزه معماری از آنها سخن گفته می‌شود، از مفاهیم و اصطلاحات حوزه رتوریک

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نگارنده اول است با عنوان نسبت معماری و رتوریک که با راهنمایی نگارندگان دوم و سوم در مهرماه سال ۱۴۰۱ در دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد دفاع شده است.
۲. دکتری معماری، دانشگاه یزد، ایران
Zoha.nadimi@gmail.com

۳. نویسنده مسئول

mondegari@yazd.ac.ir

4. Z_tafazzoli@sbu.ac.ir

5. Rhetoric

در زبان فارسی رتوریک معمولاً به بلاغت، خطابه، و ارتباطات ترجمه می‌شود، ولی به علی که در این نوشتار ذکر می‌شود، هیچ‌یک از این اصطلاحات همه دامنه معنایی رتوریک را پوشش

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و سوم، شماره ۱۰۳، زمستان ۱۴۰۲

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author: Email Address. mondegari@yazd.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFEH.2021.222721.1058>



پرسش‌های تحقیق

۱. نسبت‌های محقق میان رتوریک و معماری در طول تاریخ هریک چگونه و متناظر با چه فهمی از رتوریک بوده‌اند؟

۲. نسبت اصیل میان رتوریک و معماری چیست و چه دستاوردهایی برای معماری دارد؟

نمی‌دهند؛ بنابراین در نوشتار حاضر از خود واژه رتوریک استفاده می‌شود.

ع. مثلاً کلمه پلان از لحاظ ریشه‌شناسی برمی‌گردد به پلات یا حالتی از سخنرانی روایی. واژه نما (elevation) نیز از حالتی از سخنرانی که صدا را در آن بالا می‌برند، مشتق شده است (elevated).

همچنین می‌توان به ریشه‌های تاریخی واژگان کمپوزسیون، دکوراسیون، نظم، سبک، و بیان رجوع کرد (برای مطالعه بیشتر نک: Stephen Frith, "A Primitive Exchange on Rhetoric and Architectural Symbol", *Architectural Research Quarterly*, vol. 8, no. 1 March 2004): 40-44).

۷. مهم‌ترین آنها اصطلاح «توپوس» است، که هم به معنای مکان است و هم یکی از اصطلاحات رایج در حوزه رتوریک است که به مواضع ترجمه شده است (برای مطالعه بیشتر به مدخل «توپوس» در دانش‌نامه رتوریک (Encyclopedia of Rhetoric of Rhetoric مراجعه کنید.

8. Architectonic Art

۹. پیتر دیکسون، خطابه ترجمه حسن افشار (تهران: مرکز، ۱۳۸۹)، ۳.

10. Edwin Black, *Rhetorical Criticism: A Study in Method* (New York: Macmillan, 1965), 259.

۱۱. سوفسطائیان چنین استفاده‌ای از رتوریک کردند و در دوره‌ای از تاریخ پیوند رتوریک با اخلاق را به‌طور کلی قطع کردند (نک. همان، ۱۱-۱۲).

مشتق شده‌اند،^۶ از سوی دیگر، واژگان معطوف به مکان و استعاره‌های معمارانه نیز در تبیین نظریات رتوریکی کم نیستند.^۷ اما در عین حال سرگذشت این رابطه در طول تاریخ بسیار پرفرازونشیب بوده است. نسبت معماری و رتوریک گاهی بسیار قوی و مشهود بوده و گاهی ضعیف شده و به محاق رفته است. هرچند این پیوند در دوره‌های گذشته بسیار عمیق و آشکار بوده است، اما در دوره مدرن عده‌ای از نظریه‌پردازان معماری از رتوریک دوری جست‌ه‌اند و مانند بسیاری دیگر از مردمان زمانه خود، صفت رتوریکال را برای تخفیف و تحقیر برخی سخنان و آثار به کار برده‌اند؛ البته با اهمیت یافتن موضوع زبان در بسیاری از حوزه‌های دانش و معرفت در دوره‌های متأخر، در حوزه معماری نیز نظریه‌پردازان متوجه امر زبان در معماری شده‌اند، و سخن از مباحث رتوریکی نیز در معماری احیا شده است؛ به‌نحوی که امروزه عمده مسائل رتوریک در حوزه معماری طرح و بحث می‌شوند، اما کمتر نامی از خود اصطلاح رتوریک به میان می‌آید.

مروری بر سابقه مسائل مشترک میان معماری و رتوریک نشان می‌دهد که امکان‌ها و ظرفیت‌های مغفول بسیاری در سنت رتوریک وجود دارد که رجوع به آنها و بازخوانی‌شان می‌تواند به گشوده شدن مسائل حوزه معماری کمک کند. با تأملات فلسفی جدید صورت‌گرفته در باب رتوریک، گویا به عمقی از اندیشیدن درباره مسائل رتوریک دسترسی یافته‌ایم که در پرتو آن فهم می‌توان دوباره به پیوند میان این دو حوزه نظر کرد. به‌طوری که این تأمل مسائل حوزه معماری را از دریچه دیگری به دید بیاورد؛ گویا خود را در آینه دیگری بازشناخته باشیم. در این نوشتار سعی می‌شود افق طوری به عقب رود که معماری و رتوریک در پیوندهای اصیل خود به دید بیایند، نه اینکه آنها را در پیوندی ثانوی به هم مربوط یا ترجمه کند. همچنین تلاش می‌شود پرده از ضرورت و دستاوردهای مهم چنین پیوندی در حوزه معماری برداشته شود. با توجه به اینکه پیوند معماری و رتوریک پیوندی کهن و تاریخی است و همچنین رتوریک دارای تطورات معنایی در طول تاریخ بوده است، مسیر این پژوهش از تعمق بر پیوندهای محقق میان معماری و رتوریک و جستجو و شرح و بسط اصیل‌ترین فهم رتوریک و معماری و نسبت میان این دو حوزه می‌گذرد. در این نوشتار با تعمق در مفهوم «هنر تألیف»^۸ سعی می‌شود که قابلیت تألیف‌گری رتوریک در سه سطح مختلف شرح و بسط داده شود، سپس موقعیت رتوریکال، به‌مثابه

Ian Buchanan, Dictionary of Critical Theory (Oxford University Press, 2018); Thomas O. Sloane, *Encyclopedia of Rhetoric* (Berkeley: University of California, 2001).

۱۳. محمد احمدی و تقی پورنامداریان. «درآمدی بر مهم‌ترین معانی اصطلاح رتوریک». در *مطالعات زبان و ترجمه*، ش. ۱ (بهار ۱۳۹۶): ۳۱.

۱۴. همان، ۳۲.

۱۵. آ. وایشه، «فن سخنوری»، در *زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح*، ترجمه کورش صفوی (تهران: هرمس، ۱۳۷۷)، ۲۵۹.

16. Gerard A. Hauser and Donald P. Cushman, "McKeon's Philosophy of Communication: The Architectonic and Interdisciplinary Arts", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 6, no. 4 (Fall 1973): 215-230.

۱۷. در اصل‌ترین تعاریف بلاغت آن را علم معانی و «معرفه الفصل من الوصل» دانسته‌اند و در آن به روابط میان لفظ و معنی پرداخته‌اند (احمد مهدوی دامغانی، «در باب بلاغت»، در *سیدعلی محمد سجادی* (و)، *حاصل اوقات* (تهران: سروش، ۱۳۸۱): ۲۰؛ سیروس شمیسا، *معانی* (تهران: میترا، ۱۳۹۱)، ۱۹۵.

۱۸. البته ناگفته نماند که در متون اصیل اهل بلاغت اسلامی تعاریف عمیق و بسیار مهمی از بلاغت وجود دارد که دانستن آنها حتی به فهم «رتوریک» نیز می‌تواند کمک کند. مثل تعریف ابن مقفع

به‌طوری که لفظی مشترک برای گوناگون به‌نظر می‌رسد. اما درواقع این چندمعنایی حاصل تطور تاریخی معنای رتوریک است؛ که روایت مفصل این تطورات را می‌توان از طریق دایرة‌المعارف‌های تاریخی مفاهیم و یا کتاب‌های تاریخ رتوریک پی گرفت.^{۱۲}

تبعاً هنگام ترجمه این اصطلاح به فارسی نیز چنین آشفتگی‌ای مشاهده می‌شود. امروزه بسته به سیاق کاربرد واژه «رتوریک»، گاهی آن را به «بلاغت»^{۱۳} یا هنر سخن‌پردازی ترجمه کرده‌اند؛ و گاهی آن را به «خطابه»^{۱۴} یا «فن سخنوری»^{۱۵} برگردانده‌اند؛ در دوره بسیار اخیر نیز اغلب آن را به معنای «ارتباطات»^{۱۶} می‌شناسند. اما «بلاغت» برای ما تداعی‌کننده صنایع ادبی و تزیین زبان است و «خطابه» یادآور موعظه‌های دینی و اخلاقی در مدارس و مناظر. ناگفته پیداست که اگر رتوریک را سخن‌پردازی یا سخنوری بفهمیم، رابطه معماری و رتوریک را عجیب و سؤال‌برانگیز، سست، و حداکثر نوع نازلی از نسبت معماری و زبان خواهیم فهمید. اما با قدری تفحص و تدقیق می‌توان دریافت که چنین نیست؛ نه «بلاغت» نزد اهل بلاغت^{۱۷} به معنای هنر لفاظی و سخن‌پردازی است و نه «رتوریک» معنایی دقیقاً معادل بلاغت یا خطابه دارد. پس به‌طور کلی رتوریک را نمی‌توان به‌سادگی به بلاغت^{۱۸}، خطابه^{۱۹}، یا ارتباطات^{۲۰} ترجمه کرد؛ زیرا «رتوریک» واژه‌ای در زبان یونانی کهن بوده است^{۲۱} که سابقه‌ای طولانی در تاریخ اندیشه و تمدن غرب داشته است؛ که در هنگام ترجمه به هریک از معادل‌های فارسی‌اش، آن تاریخ و پیوندهای معنایی به کلی به زبان مقصد منتقل نمی‌شود.^{۲۲} به‌نظر می‌رسد که قداما متوجه این مسئله بوده‌اند؛ و این واژه را در ترجمه نخستین متن‌های یونانی به عربی و فارسی به‌صورت معرب خود کلمه آورده‌اند: «ریطوریکا»^{۲۳}. در این نوشتار، برای احتراز از این سوءفهم و برای از دست نرفتن وجوه معنایی رتوریک در ترجمه، از خود واژه «رتوریک» استفاده

موقعیتی که در آن رتور همۀ مراتب تألیف را به‌صورت هم‌زمان و یکباره در یک محصول واحد محقق می‌کند، شرح داده و نشان داده می‌شود که شرایط رتور در موقعیت رتوریکال بسیار شبیه وضعیت معمار در موقعیت طراحی معماری است. از این منظر می‌توان گفت که رتوریک و معماری درحقیقت در موقعیت‌های مشابهی هستند و کار هر دو تألیف در مراتب مختلف برای ایجاد یک محصول واحد، تأثیرگذار، و اقناع‌کننده است. بنابراین پیوند میان این دو دانش پیوندی عرضی و میان‌رشته‌ای نیست، بلکه پیوندی حقیقی و ذاتی است. این تحقیق از طریق روشی مرکب از تحقیق توصیفی و استدلال منطقی پیش رفته است؛ زیرا برای نخستین بار نسبت‌های مختلف میان معماری و رتوریک احصا و مرور شده و از طریق تحلیل نتایج برآمده از این مرور و استدلال منطقی، نسبتی اصیل بین معماری و رتوریک آشکار شده که توجه اصلی در مقاله پیش رو به این نسبت است.

۱. تطورات معنایی رتوریک

در آغاز هر تحقیقی درباره رتوریک با جمله‌ای مبنی بر مبهم بودن معنای رتوریک مواجه می‌شویم؛ مثلاً دیکسون هنگام تعریف رتوریک می‌گوید:

همه می‌دانند این واژه چقدر لیز و مغلق است. با آن هم مدح گفته‌اند و هم ذم و به قدری نرمش نشان می‌دهد که می‌توان آن را پشت‌ورو کرد.^{۲۴}

همچنین ادوین بلک نیز می‌گوید:

کاربردهای متفاوت اصطلاح رتوریک را به‌طور کامل از یکدیگر نمی‌توان جدا کرد، و به همین سبب تعریف اصطلاح رتوریک کار آسانی نیست.^{۲۵}

رتوریک را گاه معادل «خطابه»، گاه «فن سخنوری»، «بلاغت»، «دانش سخن»، «هنر اقناع»، «هنر ارتباط»، «هنر تألیف»، و حتی گاهی «لفظی و فریب»^{۲۶} خوانده‌اند؛

از بلاغت که می‌گوید: «بلاغت اسمی است برای معانی که در وجوه بسیاری به کار می‌رود، از جمله در سکوت، در استماع شعر، سجع، خطابه ...» (حسن دلبری، «بلاغت سکوت، به‌مثابه غیاب پیش‌اندیشیده کنش کلامی و تعامل کارآمد آن با متن» مطالعات زبانی بلاغی، ش. ۲۰ (۱۳۹۸): ۲۰۵).

۱۹. تمسق در باب خطابه نیز اهمیت حضور مخاطب در تکوین خطبه و یا هر امر رتوریک دیگری را نشان می‌دهد و خود این مفهوم می‌تواند مبنایی برای فهم بهتر رتوریک شود. اما انحصار یافتن آن در خطبه‌های خطیبان مانعی در جهت نیل به معنای حقیقی آن است.

۲۰. البته باید توجه داشت که خود لفظ کامیونیکیشن مرکب از com و uni-cation در زبان‌های اروپایی سابقه‌ای بیش از علم ارتباطات دارد؛ و معنای پیوند دادن، یکی کردن، متحد کردن، و وحدت بخشیدن در آن مستتر است. درست است که استفاده از این لفظ در علوم ارتباطات و رسانه جدید سبب شده که در معنای جدید خود مستقر شود؛ اما همیشه باید توجه داشته باشیم که در بسیاری از متون اروپایی لفظ کامیونیکیشن دال بر چیزی بیش از ارتباطات است.

۲۱. وایشه، «فن سخنوری»، ۲۵۹.

۲۲. به همین علت است که بسیاری از دلالت‌ها و کاربردهای آن، حتی در متون امروزی، برای ما بسیار نامفهوم می‌نماید (برای مطالعه بیشتر نک: مهدوی دامغانی، «در باب بلاغت»، ۴۶۳). مثلاً می‌توان از پیوند رتوریک با حوزه اخلاق و همچنین علوم شناختی و فلسفه نام برد. اگر رتوریک

می‌شود، همان‌طور که در زبان‌های اروپایی خود کلمه یونانی را به کار می‌برند و حکمای قدیم ما نیز چنین کرده‌اند.^{۲۴}

هرچند، در یونان باستان کاربرد اصلی رتوریک روش‌های اقناع قضات در دادگاه‌ها بود، ولی بعدها رفته‌رفته به انواع سخن و از آنجا به همه حوزه‌هایی که نسبتی با بیان، خواه بیان زبانی و خواه بیان تصویری، داشتند، مانند همه هنرها، شامل نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، و معماری، گسترش یافت.^{۲۵} همچنین بیوکانن معتقد است رتوریک به همه هنرهایی که موضوعشان ساختن است، خواه ساختن با کلمات باشد و خواه ساختن با هر ماده دیگری، مربوط می‌شود.^{۲۶} بنابراین قلمرو رتوریک، در طول تاریخش، در مغرب‌زمین را نباید محدود به حوزه سخن دانست، بلکه رتوریک علاوه بر زبان ملفوظ مربوط به هر نظام معناداری است.

همچنین علاوه بر اینکه میدان رتوریک محدود به قلمروی زبان نیست، موضوع رتوریک نیز فقط مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها و قواعد نیست. ادبا و زبان‌شناسان رتوریک را به‌مثابه هنری زبانی و تمهیدات و دستورالعمل‌های صوری و ادبی و قواعد زیبایی‌شناختی برای تزیین سخن و اقناع مخاطب دانسته‌اند؛ حال آنکه فیلسوفان زبان آن را به‌مثابه «هنری عقلانی»^{۲۷} و مبین سازوکار اندیشه و تفکر و یک «روش استدلال»^{۲۸} دانسته‌اند. از این منظر، رتوریک دیگر صرفاً مجموعه‌ای از قواعد زینتی سخن نیست، بلکه در کنار منطق که به صحت صورت سخن و اندیشه استدلالی می‌پردازد، رتوریک «ابزار پویایی است که حالات مختلف اندیشه را ایجاد می‌کند و شکل می‌دهد».^{۲۹} بنابراین رتوریک جدید که بیشتر مورد نظر فلاسفه و متفکران بوده است، قدری با رتوریک ادبا فاصله می‌گیرد و به جای قواعد انشایی، در باب بنیادهای اخباری آن قواعد و موضوعاتی چون سازوکارها و موقعیت رتوریک سخن می‌گوید.^{۳۰} از آنجا که در این نوشتار نیز فهم عمیق معنای

رتوریک با نظر کردن به مفاهیم کلیدی و سازوکار آن مورد نظر است، پس می‌توان گفت نظرگاه نویسندگان این مقاله نسبت به رتوریک با نگاه فیلسوفان زبان به رتوریک قرابت بیشتری دارد. تعاریف بسیار زیادی از رتوریک وجود دارد و تقریباً همه متفکران به وسعت دامنه معنای آن اشاره کرده‌اند. معنای کهن رتوریک در کتاب رتوریک ارسطو هنوز بسیار غنی و قابل رجوع است؛ از منظر او رتوریک هنر، دانش، یا فنی است که موضوع خاصی ندارد،^{۳۱} اما توجه آن را معطوف به «اقناع» می‌داند. اما اگر بخواهیم برای آغاز سخن، تعریفی نسبتاً جامع از آن بدهیم، می‌توان به تعریف معتبری از جیمز هریک تکیه کرد: رتوریک «دایره‌ای از اندیشه و احساس انسانی است که از طریق زبان (یا نظامی معنادار) بر تصمیم و عمل دیگران اثر می‌گذارد».^{۳۲}

۲. مروری بر پیوند تاریخی معماری و رتوریک

نسبت معماری و رتوریک نیز، تحت تأثیر معنای متطور و تاریخی رتوریک (و همچنین فهم‌های متنوع از معماری)، سابقه پرفرازونشیبی داشته است، به‌طوری‌که این نسبت را نمی‌توان یک نسبت ثابت دانست. مروری بر این نسبت می‌تواند تصویری از معنای تاریخی رتوریک و چگونگی تأثیر آن بر معماری را آشکار کند؛ البته مرور دقیق آن بسیار مفصل و نیازمند یک تحقیق مروری مجزا و جداگانه است.

بسیاری از پژوهشگران به نحو تاریخی این نسبت را در دوره کلاسیک، سده‌های میانه، و دوره رنسانس جستجو کرده‌اند.^{۳۳} در این میان پرداختن به نقش ویتروویوس^{۳۴} و آلبرتی^{۳۵}، دو نظریه‌پرداز دیرین و مهم معماری، بسیار برجسته است. اندیشمندان نخستین شواهد از وجود نسبت میان رتوریک و معماری را در رساله ویتروویوس یافته و اشاره کرده‌اند که او آشکارا در ده کتاب معماری تحت تأثیر نظریات سیسرو^{۳۶} و کتاب در باب خطیب بوده است. این امر هم در شکل ظاهری

را به‌مثابهٔ بلاغت یا هنر سخن‌پردازی بفهمیم، پیوند رتوریک با این حوزه‌ها برای ما معنادار نخواهد بود.

۲۳. به‌طور مثال می‌توان به *احصاء العلوم* فارابی و *شفای ابن سینا* اشاره کرد.

۲۴. حتی بسیاری از اندیشمندان معاصر نیز به همین دلایل ترجیح داده‌اند که این واژه را ترجمه نکنند و از همان لفظ رتوریک استفاده کنند (نک: احمدی و پورنامداریان، «درآمدی بر مهم‌ترین معانی اصطلاح رتوریک»، ۲۸-۵۰).

25. Caroline van Eck, *Classical Rhetoric and the Arts in early Modern Europe* (Cambridge University Press, 2007), 3-13.

26. Richard Buchanan, "Rhetoric, Humanism and Design", *Discovering Design: Explorations in Design Studies*, no. 23 (1995): 31.

27. intellectual art: Richard Peter McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age: Architectonic Productive arts", in Zahava K. McKeon and William G. Swenson (eds.), *Selected Writings of Richard McKeon, Volume 2: Culture, Education, and the Arts* (The University of Chicago press), 198.

۲۸. ارسطو در کتاب *خطابه* با تشریح قیاس مضمور در خطابه که معادل قیاس در منطق است بر این نکته تأکید می‌کند که فن خطابه هم مانند جدل بیشتر یک روش استدلال است و صرفاً زینتی نیست (دیکسون، *خطابه*، ۱۸).

بوده است.^{۴۷}

در دورهٔ مدرن، با نفی رتوریک به‌واسطهٔ سیطرهٔ نگاه منطقی دکارت، پیوند میان رتوریک و معماری نیز بسیار کمرنگ شد و این جدایی تا جایی پیش رفت که دو معمار این دوره الیسون و پیتر سمیتسون، نسخه یا دستورالعمل معماریشان را با عنوان «بدون رتوریک: زیبایی‌شناسی معماری ۱۹۵۵-۱۹۷۲» منتشر کردند.^{۴۸} اما در دورهٔ بسیار متأخر، به‌علت عمومیت یافتن گشت زبانی^{۴۹} در سپهر اندیشه و محوریت یافتن مسائل و موضوعات مربوط به زبان در کانون اندیشهٔ فیلسوفان و همچنین به‌سبب پیشرفت تکنولوژی، توسعهٔ وسایل ارتباطات جمعی و رسانه‌ها و به‌وجود آمدن رشتهٔ دانشگاهی «علوم ارتباطات»، افق‌های جدیدی بر روی دانش رتوریک گشوده شده است. بنابراین در این دوره و به‌خصوص در پنجاه سال اخیر نسبت معماری و رتوریک موضوع پژوهش بسیاری از نظریه‌پردازان معماری قرار گرفته است. در ادامه نسبت‌های متأخر میان معماری و رتوریک به‌اجمال شرح داده می‌شود.

۳. نسبت‌های محقق‌شده میان رتوریک و معماری

پژوهشگران بسیاری دقیقاً دربارهٔ نسبت معماری و رتوریک اندیشیده‌اند و با تلقی‌های مختلفشان از رتوریک، پیوندهای متفاوتی میان رتوریک و معماری نیز برقرار شده است که آنها را می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی کرد.

الف) رتوریک به‌مثابهٔ ارتباطات: از آنجاکه یکی از وجوه معنایی رتوریک تأثیرگذاری و برقراری ارتباط با مخاطب است،^{۵۰} مطالعات جدید علوم ارتباطات، با تعریف «رتوریک به‌مثابهٔ ارتباطات»، به بستر مساعدی برای طرح مسائل رتوریک تبدیل شده‌اند. برخی از نظریه‌پردازان این دسته از تحقیقات معتقدند: پیوند میان معماری و رتوریک، معماری را از یک هنر تزینتی

رساله، هم در پیش‌داوری‌های زیبایی‌شناسانه‌اش، هم در قضاوت معماری، و هم در اصطلاحات و بحث‌هایش نمایان است.^{۴۷} علاوه بر این سه رکنی را که ویتروویوس برای معماری خوب ترسیم می‌کند و آن را شامل فرمیتاس (استحکام)، یوتیلیتاس (کاربرد)، و ونوستاس (زیبایی) می‌داند^{۴۸}، بسیار شبیه سه رکنی است که ارسطو با عنوان سه مسیر اقناع در رسالهٔ *ریطوریکا* مطرح می‌کند: لوگوس، پاتوس و اتوس.^{۴۹} همچنین اصول شش‌گانهٔ ویتروویوس^{۵۰}، که در ده کتاب معماری آورده است، آشکارا مفاهیم و واژگان مشترکی با حوزهٔ رتوریک دارند که قابل تأمل و بررسی مفصل است.

در دورهٔ رنسانس نیز آلبرتی، دومین نظریه‌پرداز مهم معماری پس از ویتروویوس، نه‌تنها از اصطلاحات و مفاهیم رتوریکی در تبیین نظراتش استفاده کرد، بلکه در پی آن بود که با اتکای به رتوریک، انواع هنرها، اعم از نقاشی، موسیقی، و معماری، را دوباره تئوری‌پردازی کند و همهٔ آنها را زیر چتر رتوریک با یکدیگر پیوند زند و متحد کند.^{۴۱} این خواست آلبرتی می‌تواند برای محققان امروز هم الهام‌بخش باشد. اتکای آلبرتی در تئوری معمارانه‌اش به رتوریک به قدری است که از منظر اندیشمندان «فهم کامل برخی جنبه‌های نوآورانهٔ تئوری معماری آلبرتی تنها در گرو فهم رتوریک تحقق خواهد یافت».^{۴۲} همچنین آلبرتی رسالهٔ در باب نقاشی^{۴۳} خود را بر مبنای مدل فصاحت و بلاغت کوئین‌تیلیان^{۴۴} نوشته و مهم‌ترین کلیدواژه‌اش در تبیین نقاشی‌ها یعنی «کمپوزسیون»^{۴۵} را از حوزهٔ رتوریک وام گرفته است. همین واژهٔ کمپوزسیون در کتاب در باب معماری آلبرتی به واژه «کونسینتاس»^{۴۶} به معنای تناسب و هماهنگی داشتن تبدیل می‌شود که

یک اصطلاح لاتین قدیمی است که آلبرتی آن را برای دلالت بر هارمونی به کار می‌برد، که تا پیش از آن صرفاً در حوزهٔ رتوریک به کار رفته و خارج از آن حوزه کلمه‌ای ناشناخته

29. Mark Backman, "Introduction: Richard, McKeon and, the Renaissance of Rhetoric", in *Rhetoric: Essays in Invention and Discovery* (Published by Ox Bow Pr., 1987), xix.

۳۰. مثلاً در باب استعاره، ادبا به تعریف انواع آن می‌پردازند و از اینکه استعاره بلیغ چگونه باید باشد سخن می‌گویند؛ حال آنکه فیلسوفان از این می‌پرسند که استعاره حقیقتاً چیست؟ حاصل چه سازوکاری در اندیشه و در زبان است؟ چگونه ممکن می‌شود و قدرت تأثیر و زیبایی آن از کجا سرچشمه می‌گیرد؟

۳۱. ارسطو به نامتین بودن موضوع رتوریک برخلاف سایر دانش‌ها اشاره کرده است (برای مطالعه بیشتر نک: ارسطو، خطابه، ترجمه اسماعیل سعادت (تهران: هرمس، ۱۳۹۲)، ۳۰.

32. James A. Herrick, *The History & Theory of Rhetoric* (Routledge, 2018), 6.

33. Eck, *Classical Rhetoric and the Visual Arts in Early Modern Europe*.

34. Marcus Vitruvius Pollio

35. Leon Battista Alberti

۳۶. Cicero از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین خطیبان جمهوری روم بود. برخی معتقدند سیسرو و ویتروویوس هم‌دوره بوده‌اند.

37. Frith, "A Primitive Exchange on Rhetoric and Architectural Symbol", 41.

38. *firmitas, utilitas, and venustas* ("strength", "utility", and "beauty")

نک: پولیو ویتروویوس، ده کتاب معماری.

صرف به یک هنر اجتماعی تبدیل می‌کند که وجه تعاملی آن با مخاطب و جامعه اهمیت دارد.^{۵۱}

از این منظر معماری بیشتر به‌مثابه یک پدیده اجتماعی شناخته می‌شود تا یک اثر هنری. وولنر با بیان اصطلاح «معماری تعاملی» سعی در تبیین وجه ارتباطی معماری در پرتو رتوریک دارد و معتقد است

معماری تعاملی در تقاطع تئوری رتوریک معاصر و دانش معماری به‌وجود می‌آید و تمرکزش بر موضوعات معنا، ارتباطات، و هویت‌یابی است.^{۵۲}

در این دسته از تحقیقات رجوع به رتوریک از این حیث مهم است که رتوریک می‌تواند درگاهی برای توجه کردن به وجه اجتماعی معماری باشد، و به‌نوعی به موضوع ارتباطات در معماری می‌پردازد. ارتباطات در معماری می‌تواند معطوف به موقعیت‌های مواجهه معمار با جامعه باشد؛ هم در جامعه‌های کوچک میان معماران و همکاران و هم در جوامع آکادمیک و هم در نسبت حرفه معماری با جامعه‌ای که در درون آن کار می‌کند، معماری وجهی اجتماعی دارد. تردیدی نیست که معماری حرفه و دانشی است که در موقعیت‌های بسیاری نیاز به استفاده از قدرت سخن برای اقناع مخاطبینش دارد. در این موقعیت‌ها مهارت‌ها و دانش‌های سخنورانه و ارتباطی نقش بسیار مهمی دارد و نمی‌توان از اهمیت رتوریک در این موقعیت‌ها غافل شد. این‌گونه پیوند معماری و رتوریک مشابه پیوند رتوریک با سایر رشته‌هاست که برای توسعه روابط اجتماعی در کارشان از رتوریک استفاده می‌کنند.^{۵۳} استفاده از دانش و مهارت ارتباطی رتوریک در رشته معماری نکوهیده نیست، حتی بسیار لازم است. اما اگر فهم ما درباره نسبت معماری و رتوریک عمیق‌تر شود، حتی این نوع کاربرد رتوریک در معماری نیز معنا و مفهوم متفاوتی می‌یابد.

ب) رتوریک به‌مثابه فن سخن‌پردازی: دسته دیگری از تحقیقات

مبتنی بر فرض و فهم رتوریک به‌مثابه دانشی مرتبط با متن و مبنای زبان است، که خود شامل دو دسته عمده است:

- رتوریک به‌مثابه رویکردی برای تحلیل متون معماری: در حوزه معماری، مانند هر رشته دیگری، مجموعه سخنان و متن‌هایی تولید شده است. برخی از این متون تاریخی هستند، و دسته‌ای از آنها مربوط به مجموعه گفتارها و گفتگوهای میان معماران^{۵۴}، یا میان معلمان و دانشجویان معماری است. این متون مانند هر متن دیگری ممکن است با رویکرد رتوریک بررسی شوند. کارهای خانم سراپ دورموس نمونه بارز این رویکرد نسبت به پیوند معماری و رتوریک است.^{۵۵} همچنین مطالعه درباره رتوریک اسناد مربوط به مسابقات معماری^{۵۶} نیز در این دسته جای می‌گیرد.

- معماری به‌مثابه زبان و رتوریک چونان هنر زبان‌آوری: فرض معماری به‌مثابه زبان یا متن فرض جدیدی نیست؛ و بسیاری از شاخه‌های مطالعات نشانه‌شناسی^{۵۷} و معناشناسی^{۵۸} و گرایش‌های ساختارگرایانه در معماری مانند نحو فضا^{۵۹} و ... مبتنی بر همین فرض هستند. اما رویکردهای متنوعی برای تحلیل زبان یا تفسیر معنای متن وجود دارد، که همین سبب گسترش و تنوع دامنه‌های مطالعاتی از این دست می‌شود. در این مجموعه گسترده، در پاره‌ای از مطالعات از درگاه رتوریک به زبان توجه شده است. صاحب‌نظران در اغلب این مطالعات درصدد یافتن تناظری میان اجزا و روابط زبان با اجزا و روابط معماری هستند و تلاش می‌کنند سازوکارهای رتوریک را به حوزه معماری تسری دهند. تبار این نوع نگاه جدید نیست؛ مثلاً مباحثی که به‌طور سنتی در باب تزئین و ساختار در باب معماری طرح می‌شد نیز، چنین مفروض و چنین رویکردی داشت. در دوره جدید نیز مباحثی که در استفاده از صنایع موسوم به صنایع بلاغی مانند استعاره و مجاز در حوزه معماری مطرح شده است، بر این مبناست. از جمله هتتهاور ضمن اتخاذ



ترجمهٔ ریما فیاض (تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۸).

39. Logos, pathos, ethos

دانشوران گفته‌اند که لوگوس به استدلال منطقی و استحکام سخن نظر دارد و مانند فریبتاس به ساحت علمی اثر مربوط می‌شود. پاتوس به مخاطب اثر و کارایی و مناسبت سخن با او نظر دارد، و اتوس نیز مانند ونوستاس به قواعد زیبایی‌شناختی و ارزشی اثر نظر دارد که موضوعات مربوط به ساحت هنری اثر را پوشش می‌دهد.

40. order (ordinatio),
arrangement (dispositio),
proportion (eurhythmia),
symmetry (symmetria),
propriety (decor), and
economy (distribution).

واژگان نظم، تنظیمات، دکور از واژگان مهم در حوزهٔ رتوریک هستند.

41. Robert Kirkbride, "Rhetoric & Architecture", Michael J. MacDonald (ed.), *The Oxford Handbook of Rhetorical Studies* (Oxford University Press, 2020), 76-77.

42. Christine Smith. *Architecture in the culture of early humanism: ethics aesthetics and eloquence 1400-1470*. P.232.

43. De pictura

۴۴. مارکوس فابیوس کوینتیلیانوس یا کوینتیلیان (۱۰۰-۳۵) بلاغ‌دان، فیلسوف، و ادیب رومی اهل هیسپانیا بود که به گستردگی در نوشته‌های مکاتب بلاغی سده‌های میانه و رنسانس به او اشاره شده است

معنای عام است، و به طراحی معماری به‌طور خاص نمی‌پردازد. وی معتقد است که پیوند میان رتوریک و طراحی بسیار عمیق و قدیم است.

هرچند واژهٔ طراحی واژه‌های نوظهور است، اما از آنجاکه مفهوم آن، ماهیتی تاریخی دارد و از قدیم وجود داشته است، پیوند طراحی و رتوریک را در طول تاریخ می‌توان رصد کرد.^{۶۵} همچنین بیوکانن به مدخلیت «تصمیم‌گیری و انتخاب»، «ابداع و قضاوت»، «تجربه و حکمت عملی»، «تألیف دانش‌ها و ایده‌های مختلف با یکدیگر»، و «اقتناع» در قلمرو طراحی اشاره می‌کند که دقیقاً موضوعات مورد علاقه در مبحث رتوریک هم هستند؛ اما این موضوعات در طراحی هیچ‌گاه به‌صورت منسجم و مدوئی بیان نشده‌اند.^{۶۶} بیوکانن ضمن اشاره به قابلیت تألیف‌گری رتوریک ادعا می‌کند که رتوریک می‌تواند یک «تئوری متحدکنندهٔ طراحی» به‌وجود بیاورد.

تئوری‌ای که همهٔ انواع طراحی، اعم از طراحی صنعتی، مهندسی، گرافیک، معماری، طراحی شهری، و همچنین همهٔ مباحث مهم طراحی را، که در هفتاد سال گذشته بیان شده است، زیر چتر خود گرد آورد.^{۶۷}

همچنین او معتقد است رتوریک و طراحی هر دو به‌مثابهٔ یک «هنر تألیف‌کننده»^{۶۸} می‌تواند جنبه‌های مختلف فعالیت انسان اعم از «نظر و عمل» را کنار یکدیگر گرد آورد و «اگر تئوری طراحی‌ای مبتنی بر رتوریک تدوین شود، می‌توان امیدوار بود که جدایی تاریخی نظر و عمل از میان برود».^{۶۹} اما مبنای این امکان در پژوهش‌های بیوکانن به‌خوبی در حوزهٔ معماری روشن نمی‌شود.

به‌طور کلی می‌توان گفت این‌گونه پیوند میان معماری و رتوریک، که بیشتر از سوی این طراحی‌پژوهان در سال‌های اخیر به آن پرداخته شده است، در سطح دیگری به نسبت این دو دانش نظر دارد. پیوند میان معماری و رتوریک در این

رویکردی نشانه‌شناسانه سعی دارد به پیوند معماری و رتوریک نظر افکند. وی می‌گوید:

از آنجاکه معماری و رتوریک هر دو در پی بیان معانی تمثیلی و استعاری هستند، مطالعهٔ نسبت میان این دو حوزه می‌تواند در فهم و خلق معانی به ما کمک کند.^{۷۰}

همچنین ایده‌هایی که در باب رتوریک بصری (فرم)^{۶۱} یا رتوریک فضا^{۶۲} وجود دارد نیز در این دسته قرار می‌گیرد.

از این نظرگاه، در معماری در سطح نظروری و فهم و نه فقط برای استفاده از مهارت‌های ارتباطی رتوریک، به این حوزه رجوع می‌شود. گویا رتوریک، به‌مثابهٔ یک رشته در باب مطالعات سخن و در عرض معماری، با آن پیوندی میان‌رشته‌ای ایجاد می‌کند. این‌گونه رجوع و تکیه به رشته‌ای دیگر در حوزهٔ معماری بی‌سابقه نیست. برای پیشبرد مباحث تئوریک معماری، به‌منزلهٔ یک حرفه، غالباً به شاخه‌های دیگر معرفت‌مانند علم یا هنر یا فلسفه تکیه شده است؛ و این شاخه‌های دانش به‌نوعی مبانی و چارچوب‌های نظری برای اندیشیدن در باب معماری را فراهم می‌کرده‌اند.

پ) طراحی (طراحی معماری) به‌مثابهٔ موقعیتی رتوریکال: در دستهٔ سوم تحقیقات که سطح بررسی کمی تغییر کرده است، محققان از طریق مفهوم طراحی به موضوع وارد شده‌اند. از آنجاکه طراحی اصطلاحی ناظر بر نوعی کنش است،^{۶۳} نسبت به سایر رشته‌ها پیوند قوی‌تر، عمیق‌تر، و گسترده‌تری با رتوریک برقرار و معنای رتوریک را در وجوه بیشتری آشکار می‌کند.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین، جامع‌ترین، و پرثمرترین نگاه به پیوند میان رتوریک و معماری را می‌توان در حوزهٔ طراحی‌پژوهی مشاهده کرد. ریچارد بیوکانن، طراحی‌پژوه برجسته، مقالات و کتاب‌های زیادی در زمینهٔ رتوریک و طراحی و ضرورت پیوند این دو حوزه نوشته است؛^{۶۴} البته گفتار او دربارهٔ طراحی به

(نک: wikipedia)

 45. composition
 46. concinnitas

۴۷. ووادیسواف تاتارکویچ، «زیبایی‌شناسی آبرتی»، ترجمه سیدجواد فدرسکی، اطلاعات حکمت و معرفت، ش. ۱۰ (دی ۱۳۹۱): ۴۱.

 48. Alison Smithson and Peter Smithson, *Without Rhetoric: An Architectural Aesthetic, 1955-1972* (The MIT Press, 1974).

49. linguistic turn

۵۰. دیکسون نخستین گروه درسی یا «سه راه» یا «تریومف» را که شامل خطابه، نحو، و جدل بود «فنون ارتباطی» می‌نامد (دیکسون، خطابه، ۵۵).

 51. Gerald A Gutenschwager, "Architecture in a Changing World: The New Rhetoric of Form", *Journal of Architectural Education*, vol. 49, no. 4 (May, 1996): 258.
 52. Cynthia Frewen Wuellner, "Towards a Rhetoric of Architecture: A Framework for Understanding Cities" (University of Kansas, 2008), 29.

۵۳. نک:

 Caroline Gottschalk Druschke and Bridie McGreavy, "Why Rhetoric Matters for Ecology", *Frontiers in Ecology and the Environment*, vol. 14 (February 2016): 46-52.

۵۴. برای مطالعه بیشتر در باب رتوریک، گفتگوهای میان معماران و کارفرمایان، نک:

سطح، پیوندی عرضی و به سبب ویژگی‌ها و مسائل مشترک این دو رشته با یکدیگر نیست، بلکه پیوندی ذاتی و حقیقی است. همچنین به نظر می‌رسد، عمیق‌ترین فهم از رتوریک و پرثمرترین پیوند میان معماری و رتوریک حاصل چنین نظرگاهی به این دو حوزه است. این گروه از محققان گویی معنای دیگری از رتوریک را در نظر دارند که بسیار فراتر از بلاغت، خطابه، و ارتباطات است. هرچند طراحی‌پژوهان به صورت گسسته به ویژگی‌ها و دستاوردهای چنین فهمی از رتوریک به مثابه «هنر تألیف» اشاراتی کرده‌اند، اما پیوند معماری و رتوریک در این سطح کمتر بررسی و مطالعه دقیق شده است. در ادامه تلاش می‌شود با تمرکز بر پیوند معماری و رتوریک در این سطح، ابتدا مقدمات فهم رتوریک به مثابه هنر تألیف و سپس ثمرات چنین پیوندی در حوزه معماری شرح داده شود.

۴. رتوریک به مثابه هنر تألیف

همان‌طور که ذکر شد، پیوند معماری و رتوریک در هر سطحی که برقرار شود، متکی به فهمی متفاوت از رتوریک است. چنانچه ذکر شد، اگر رتوریک را به مثابه ارتباطات و یا رشته‌ای خاص در باب فن سخن‌پردازی بفهمیم، پیوندهایی با معماری برقرار می‌کند و ثمراتی برای فهم عمیق‌تر و بسط موضوعات و مسائل معماری دارد. اما در سطح سوم، رتوریک متکی بر تلقی‌های رایج از آن شناخته نمی‌شود، بلکه تعریف دیگری از آن بیان می‌شود که رتوریک را به مثابه «هنر تألیف» می‌خواند. در این مجال سعی می‌شود با تعمق بر مفهوم اقناع، به مثابه متواترترین تلقی از رتوریک و همچنین مفهوم «آرشیئتکتونیک» که در تبیین رتوریک به کار رفته است، قابلیت تألیف‌گری رتوریک و سپس پیوند رتوریک و معماری در این سطح توضیح داده شود. هرچند رتوریک، در آراء اندیشمندان متأخر به مثابه «هنر

تألیف» نام‌گذاری شده است،^{۷۰} اما توجه به قابلیت تألیف‌کنندگی و وحدت‌بخشی در رتوریک را آشکارا در نظریات اندیشمندان متقدم رتوریک نیز می‌توان یافت؛ به طور مثال سیسرو، خطیب بزرگ جمهوری روم، از تألیف «حکمت» و «فصاحت» به وسیله رتوریک سخن می‌گوید. محور سخن سیسرو در باب رتوریک این است که «اندیشه‌ورزی خردمندانه» و «سخن‌گویی دلنشین» لازم و ملزوم یکدیگرند. به تعبیر دیگر «بیان» و «اندیشه» از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند.^{۷۱} بنابراین می‌توان گفت سیسرو و ایسوکراتس «خواهان تلفیق خردمندی و سخن‌دانی در خطیب کامل هستند».^{۷۲} این دو حوزه نزد سیسرو را می‌توان قلمرو معرفت‌نظری و عملی دانست. در *دانشنامه رتوریک و ارتباطات* نیز در ذیل مدخل «آرشیئتکتونیک» توجه به این قابلیت تألیف‌گری رتوریک را به سیسرو نسبت داده‌اند:

رؤیای جدید یک هنر آرشیئتکتونیک رتوریک، که نه تنها بحث‌ها و استدلال‌ها را، بلکه همه رشته‌ها را می‌تواند ساماندهی کند، و مدیون تأملات سیسرو در باب رتوریک است.^{۷۳}

علاوه بر این، کوئینتیلیان نیز معتقد است که «رتوریک باید نقش مهم و وحدت‌بخشی در نظام آموزشی» ایفا کند. «او در رساله تربیت خطیب این نقش را با تفصیل بسیار تعریف و اثبات می‌کند».^{۷۴}

همچنین ویکو^{۷۵}، از اندیشمندان رتوریک در عصر روشنگری، ضمن تفکیک قلمرو امور محتمل و امور قطعی، یادآور می‌شود که «آن دانش پایه که مبنای وحدت‌بخش در قلمرو امور محتمل است، دانش رتوریک می‌باشد».^{۷۶} هرچند همه این اندیشمندان در باب قابلیت تألیف‌گری رتوریک سخن گفته‌اند، اما مک‌کی‌ین، از فیلسوفان رتوریک جدید، نخستین کسی بود که رتوریک را اساساً به مثابه «هنر تألیف»^{۷۷} تبیین کرد. وی با نقد شمولیت مفهوم اقناع در رتوریک، جا را برای آوردن مفهوم تألیف در این عرصه باز کرد و گفت:

Candace Jones and Reut Livne-Tarandach, "Designing a Frame: Rhetorical Strategies of Architects", *Journal of Organizational Behavior*, vol. 29, no. 8 (2008): 1075-1099.

55. Serap Durmus & Sengül ÖYMEN GÜR, "Rhetoric Reading in Architecture: A Methodology Attempt", *The Journal of International Social Research*, vol. 7, Issue 31 (2014): 482.

56. Elizabeth Tostrup, *Architecture and Rhetoric, Text and Design in Architectural Competitions* (Oslo 1939-1996: Andreas Papadakis Publisher, 1999).

57. semiotics
58. semantics
59. space syntax
60. Darryl Hattenhauer, "The Rhetoric of Architecture: A Semiotic Approach", *Communication Quarterly*, vol. 32, no. 1 (1984): 74
61. visual rhetoric

در رتوریک بصری به بررسی تأثیر فرم‌های بصری بر بینندگان می‌پردازند. در کتاب تعریف رتوریک بصری معماری نیز در زمره رتوریک بصری قرار گرفته است؛ همچنین نک:

Greg Dickinson & Casey Malone Maugh, "Placing Visual Rhetoric: Finding Material Comfort in Wild Oats Market", in *Charles A. Hill & Marguerite Helmers* (eds.), *Defining Visual*

مختلف سخن، نظیر مقدمه، شاهد، اثبات، نتیجه‌گیری، و ... باشند که با تألیف مناسب آنها یک متن یا سخنرانی منسجم حاصل می‌آید.^{۸۱} علاوه بر این، در مرتبه‌ای کلان‌تر رتوریک نظر به تألیف سخن با سیاقش نیز (متن و زمینه)^{۸۲} دارد. پس به‌طور کلی رتوریک، معرفت تألیف اجزا برای ایجاد یک کلیت معنادار و تأثیرگذار است. توجه به این نکته لازم است که تألیف در همه این سطوح و مراتب دیگر آن هم‌زمان و یکباره انجام می‌پذیرد. به تعبیری، در همان حال که رتور در باب همنشینی دو واژه می‌اندیشد، این را در نظر دارد که هریک از این دو واژه خود متعلق به سیاقی بزرگ‌تر و اجزایی از یک کل بزرگ‌ترند. هر جزئی، جزئی از یک کل است و در ترکیب اجزا با یکدیگر کلیت‌های جدیدی به‌وجود می‌آیند. پس رتوریک در نظامی درهم‌تنیده و سلسله‌مراتبی به شناخت اجزا و کلیت‌ها و سپس تألیف اجزا و ایجاد کلیت‌های جدید می‌پردازد.

در حوزه تئوری معماری نیز از وصل و فصل اجزای معماری و تألیف آنها با یکدیگر سخن گفته می‌شود.^{۸۳} در معماری نیز این تألیف در سطوح مختلفی محقق می‌شود؛ گاه از همنشینی و تألیف مواد و مصالح مختلف در کنار یکدیگر سخن گفته می‌شود و گاه در باب تألیف عناصر معماری با یکدیگر اندیشیده می‌شود. همچنین در باب تألیف توده و فضا و در مرتبه‌ای کلان‌تر پیرامون تألیف اثر با سیاق بزرگ‌ترش، با خیابان و یا شهر و ... سخن گفته می‌شود. پس معماری نیز مانند رتوریک معرفت تشخیص اجزا و کلیت‌ها، تألیف آنها، و ایجاد کل‌های بزرگ‌تر است.^{۸۴}

علاوه بر آنچه ذکر شد، فرامپتن، تاریخ‌نگار معماری، در کتاب *مطالعاتی در فرهنگ تکتونیک*، در تبیین واژه «تکتونیک» به‌مثابه مفهوم کلیدی معماری، آن را «هنر اتصالات یا پیوندها»^{۸۵} خوانده است.^{۸۶} این در حالی است که یکی از مهم‌ترین تعابیر علمای بلاغت اسلامی از این فن نیز

معنای سنتی رتوریک، یعنی هنر اقناع، راه را بر عرصه‌های جدیدی که رتوریک می‌تواند در آنها مدخلیت داشته باشد می‌بندد و نقش مهمی که می‌تواند به‌مثابه یک هنر تألیف (کننده) در دانش بشری داشته باشد را مخدوش می‌کند.^{۷۸}

هرچند مک‌کی‌ین سعی دارد با کنار زدن فهم‌های رایج از رتوریک به‌مثابه ارتباطات (اقناع) و بلاغت، «هنر تألیف» را به‌مثابه ضرورت «عصر تکنولوژی»^{۷۹} شرح دهد، اما در این نوشتار سعی می‌شود که با تعمق بر قابلیت تألیف‌گری رتوریک و تبیین آن در سه سطح، نشان داده شود که این استعاره جدید در تبیین رتوریک، ضمن تمرکز بر قابلیت تألیف‌گری رتوریک، جامع معانی تاریخی رتوریک نیز هست، پس می‌توان آن را عمیق‌ترین و جامع‌ترین فهم از رتوریک دانست.

۴.۱. مراتب مختلف تألیف در رتوریک

قابلیت تألیف‌کنندگی رتوریک در مراتب مختلفی تجلی می‌یابد: در مرتبه اول رتوریک متضمن تألیف اجزای سخن و آفرینش سخنی بلیغ و منسجم است. در سطح دوم، با تمسک به مفهوم اقناع و تعمق در سازوکار آن، رتوریک متضمن هم‌افق کردن انسان‌ها با یکدیگر و ایجاد الفت میان آنها می‌شود. در سطح سوم نیز، با تمسک به فهم مک‌کی‌ین از رتوریک به‌مثابه هنر «آرشیئتکتونیک» می‌توان به قابلیت تألیف‌کنندگی معرفت‌های متکثر توسط رتوریک اشاره کرد. با فهم رتوریک به‌مثابه «هنر تألیف» در مراتب سه‌گانه آن و پیوند و یکپارچه کردن این سطوح با یکدیگر، می‌توان پیوند معماری و رتوریک را از نظرگاه جدیدی برقرار کرد.

سطح اول رتوریک و تألیف اجزا: در سطح اول رتوریک متضمن تألیف اجزای سخن شناخته می‌شود.^{۸۰} خواه این اجزا واژگانی باشند که در همنشینی و تألیف با یکدیگر جمله معنادار و منسجمی را به‌وجود می‌آورند و خواه بخش‌ها یا پاره‌های

Rhetorics (Routledge, 2004), 261; Roland Barthes, "The Rhetoric of the Image": in Stephen Heath (ed.), *Image Music Text* (Hill and Wang, 1977), p. 32-52; Sonja K. Foss, "Theory of Visual Rhetoric", in Ken Smith, Sandra Moriarty, Gretchen Barbatsis, Keith Kenney (eds.), *Handbook of Visual Communication: Theory, Methods, and Media* (Routledge, 2005), 141-152. 62. spatial rhetoric

۶۳: از آنجا که در رتوریک هدف تأثیر گذاری در عالم است، پس نوعی کنش است، اما معماری لزوماً همیشه به مثابه «معماری کردن» یا کنش معماری نیست. لفظ «معماری» معمولاً متوجه بناها یا محصول‌های معماری است، اما در هنگام اندیشیدن درباره «طراحی» از ابتدا به کنش معماری کردن به مثابه یک فعل و فرایند توجه می‌شود. پس این پیوند از بقیه پیوندها با رتوریک زاینده‌تر است؛ چون به موضوع خود رتوریک (کنش) نزدیک‌تر است.

۶۴: افراد دیگری چون بالارد و کاسکالا نیز با پیروی از بیوکائین مقالاتی در باب پیوند طراحی و رتوریک نگاشته‌اند؛ به طور مثال نک:

Lauri Jaakko Koskela and Glenn Ballard, "The Two Pillars of Design Theory: Method of Analysis and Rhetoric", in *International Conference on Engineering Design* (Sungkyunkwan University,

«معرفت وصل و فصل» است.^{۸۷} بنابراین روشن است که رتوریک و معماری هر دو به تألیف اجزا و چگونگی ربط و اتصال و وصل و فصل آنها با یکدیگر نظر دارند. به تعبیر دیگر می‌توان گفت اندیشه انسان در دو ساحت نظر و عمل کارهای متفاوتی انجام می‌دهد. در ساحت نظر که غایتش صرفاً شناخت است، کار اندیشه تجزیه و تحلیل امور و شناخت اجزا و روابط محقق میان آنهاست و در ساحت عمل، که غایتش خلق است، کار اندیشه در زمینه روابط محتمل و ممکن، تألیف اجزا برای ایجاد یک کلیت در قالب یک «محصول» می‌شود، خواه آن محصول سخن و شعر باشد، خواه معماری و شهر. از این منظر رتوریک را می‌توان مبین سازوکار ساحت تألیفی اندیشه در همه حوزه‌هایی دانست که غایتشان خلق «محصول» است.^{۸۸}

سطح دوم رتوریک و تألیف افق انسان‌ها: با مروری بر کارکردهای رتوریک می‌توان گفت رتوریک علاوه بر اینکه برای ایجاد کلیت‌های منسجم میان اجزا تألیف ایجاد می‌کند، در سطح دیگری می‌تواند انسان‌های متفاوت با عقاید مختلف را با یکدیگر هم‌افق کند و میان آنها الفت ایجاد کند. تألیف‌گری رتوریک در این سطح، همان قابلیت است که در طول تاریخ رتوریک ذیل مفهوم «اقناع»^{۸۹} همواره قرین رتوریک بوده است. در لغت‌نامه نظریه انتقادی رتوریک «هنر اقناع گفتاری و نوشتاری» معنا شده است^{۹۰} و نویسنده ذیل مدخل «اقناع» در *دانشنامه رتوریک* می‌نویسد: «اقناع و رتوریک به قدری با یکدیگر قرابت دارند که گاهی حتی به جای یکدیگر به کار می‌روند».^{۹۱} بنابراین اقناع را به مثابه «اصل همیشه حاضر رتوریک» معرفی کرده‌اند.^{۹۲} در این نوشتار با تحلیل رخداد اقناع ثابت می‌شود که در هر اقناعی نوعی تألیف نهفته است.

وقتی خطیب کسی را قانع می‌کند، گویا با سخن خود بر او تأثیر دارد^{۹۳} و او را با خود هم‌نظر می‌کند برای اینکه کاری را انجام دهد یا ندهد؛ البته برای اینکه سخنش اثرگذار باشد،

باید به موضع مخاطب و جایگاه فکری، فرهنگی، و احساسی او توجه داشته باشد. به بیان دیگر، خطیب پیش از ایراد سخنش، از مخاطب تأثیر پذیرفته است. می‌توان گفت در واقع در هر اقناعی «موضع»^{۹۴} مخاطب و خطیب یکی می‌شود و هر دو از موضع و جایگاه پیشین خود نقل مکان می‌کنند و از «موضع مشترکی»^{۹۵} به مسئله می‌نگرند و به «فهم مشترکی»^{۹۶} می‌رسند. بنابراین در رخداد اقناع، از طریق سخن مؤثر نوعی وحدت یا تألیف میان خطیب و مخاطب ایجاد می‌شود. پس رتوریک علاوه بر اینکه به تألیف اجزاء و پاره‌های سخن می‌پردازد، می‌تواند خطیب و مخاطب را در زمینه مشترکی به یکدیگر نزدیک کند، آنها را با یکدیگر هم‌افق و میان آنها الفت برقرار کند. از این مجراست که مباحثی چون «فهم مشترک» و «موضع مشترک» و به‌طور کلی اشتراکات فرهنگی و تاریخی در رتوریک و در فرایند اقناع اهمیت می‌یابند.^{۹۷}

معمار نیز مانند رتور باید معرفت تألیف میان انسان‌ها و اقناع ایشان را داشته باشد. اقناع یکی از مهم‌ترین وظایف معمار در حین کار معماری است. بالارد و کاسکالا در مقاله «رتوریک و طراحی» به همین مطلب اشاره کرده‌اند: «در بطن طراحی معماری نوعی دیالوگ هست که شامل گفتگوی صاحب اثر با خودش یا دیگران است»، سپس ادامه داده‌اند که «هرجا دیالوگ باشد، اقناع نیز هست و هرجا اقناع باشد، آنجا قلمروی رتوریک است».^{۹۸} در غیاب فهم اهمیت اقناع در معماری، آثار معماری‌ای خلق می‌شوند که نخواهند توانست مخاطبان‌شان را اقناع کنند. مثلاً می‌توان به تجربه شهر شوستر نو اشاره کرد. شهری که با رعایت همه معیارهای فنی، زیبایی‌شناسی، و یا حتی عملکردی ساخته شد. شهری زیبا که تصاویر آن در بدو ساخته شدنش توانست تحسین معماران زیادی را برانگیزاند، اما غفلت نسبت به مخاطبان و سیاق اثر موجب شد که چنین شهر زیبایی اکنون ویرانه‌ای بیش نباشد. بنابراین کار معمار، خواه



Seoul, Korea, 2013); Glenn Ballard and Lauri Koskela, "RHETORIC AND DESIGN", in *International Conference on Engineering Design* (Seoul: Sungkyunkwan University, 2013).

65. Richard Buchanan.

"Rhetoric, Humanism and Design", 28.

66. Ibid, 24.26

67. Richard Buchanan,

"Declaration by Design:

Rhetoric, Argument, and Demonstration in Design

Practic", *Design Issues*, vol. 2, no. 1 (Spring, 1985): 45.

68. architectonic art

69. Ibid, 21.

۷۰. نخستین کسی که رتوریک را به مثابه

«هنر تألیف» یا «آرشیئتکتونیک آرت»

مطرح کرد، فیلسوف رتوریک مک‌کی‌ین

بود. بعدها بیوکانن با پیروی از او چنین

فهمی از رتوریک را با طراحی پیوند زد.

۷۱. دیکسون، خطابه، ۲۱.

۷۲. همان، ۲۲.

73. Thomas B. Farrell, "Common

places", in Theresa Enos (ed).

Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication

from Ancient Times to the Information Age (Routledge

1996), 116.

۷۴. همان.

75. Giambattista Vico (1668

-1744)

۷۶. رائد فریدزاده، «وجه استعاری فهم در

هرمنوتیک ضدکارتی ویکو»، *دوفصلنامه*

تئوری رتوریک خویش را بنا می‌کند و می‌گوید:

علوم و دانش‌ها در دورهٔ جدید متکثر و تخصصی شده‌اند و

دانش‌های میان‌رشته‌ای به‌وجود آمده‌اند. همچنین همهٔ علوم در

گرفتن نقشی آرشیئتکتونیک که وظیفهٔ ساماندهی و ربط دادن امور

مختلف را به هم داشته باشد، با هم رقابت می‌کنند.^{۱۰۳}

یعنی بشر همواره به‌دنبال الگویی راهنما برای وحدت بخشیدن

به دانش‌های متکثر بوده است. الگویی که بتواند علوم متکثر

را در نظامی واحد ساماندهی و میان آنها پیوند برقرار کند.

به‌طورکلی در طول تاریخ، بشر همواره در پی یافتن چنین

«هنر تألیفی» برای وحدت حوزه‌های مختلف دانش بشری

بوده است. به نظر دکارت، در طلب چنین وحدتی میان علوم،

روش‌های منطقی موجود در علوم ریاضی و فیزیک می‌توانند در

همهٔ معارف بشری اعمال شوند و از این طریق وحدتی پنهان

میان علوم مختلف به ارمغان آورند. بعدها کانت نیز در نقد

عقل محض از وحدت نظام‌مند میان دانش‌ها سخن می‌گوید

و «آرشیئتکتونیک را هنر ساختن نظام‌ها می‌خواند». ^{۱۰۴} اما

مک‌کی‌ین، فیلسوف رتوریک، معتقد است رتوریک آن دانش

پایه‌ای است که قابلیت تألیف میان همهٔ معرفت‌های بشری را

دارد و در دوره‌هایی در طول تاریخ (اعم از دورهٔ جمهوری روم

و رنسانس) چنین قابلیت را آشکار کرده‌است.

اما برخی معرفت‌ها در زمرهٔ معرفت‌های نظری و برخی

دیگر از جمله معرفت‌های عملی محسوب می‌شوند، و رتوریک

می‌تواند میان این دو (نظر و عمل) نیز پیوند و تألیف ایجاد

کند. مک‌کی‌ین در مقالهٔ «کاربرد رتوریک در عصر تکنولوژی»

می‌نویسد: «آرشیئتکتونیک تئوری و پرکتیس را با هم متحد

می‌کند». وی در ادامه برای تبیین این ویژگی تألیف‌گری

رتوریک از استعارهٔ معماری کمک می‌گیرد^{۱۰۵} و می‌گوید:

هنر آرشیئتکتونیک هم همان کارهایی را انجام می‌دهد که معماری

می‌کند، یعنی تئوری و پرکتیس را با یکدیگر وحدت می‌بخشد،

در مرحلهٔ تکوین ایدهٔ طرح باشد، خواه در فرایند مذاکره با تیم

طراحی یا کارفرما و یا کاربران باشد، و خواه در ساخت نهایی

خود معماری باشد، آغشته به اقناع است.^{۹۹} بنابراین در سطح

یادشده از فهم رتوریک روشن می‌شود که معماری و رتوریک

هر دو معرفت هم‌افق کردن و الفت بخشیدن میان انسان‌ها

(معرفت اقناع) هستند. لازمهٔ این معرفت فهم عمیقی از ذوق و

سلیق، و تاریخ و فرهنگ مخاطبان است.

سطح سوم رتوریک و تألیف دانش‌ها و معرفت‌ها: برای فهم

بهتر و دقیق‌تر سطح سوم قابلیت «تألیف»کنندگی رتوریک،

باید به ریشه‌ها و استعمال‌های تاریخی واژهٔ «آرشیئتکتونیک»

توجه کرد. این واژه‌ای است کهن، مهم، و کلیدی در نشان

دادن آبشخور و زمینهٔ مشترک میان معماری و رتوریک؛ زیرا،

از طرفی، همان‌طور که ذکر شد، یکی از تلقی‌های جامع از

رتوریک در دوران اخیر را شکل می‌دهد و از طرف دیگر،

واژه‌ای است که از لحاظ لغوی واژهٔ معماری^{۱۰۰} را در درون خود

دارد؛ و بنابراین مدخل خوبی برای تعمق در پیوند این دو حوزه

فراهم می‌آورد. در لغت‌نامه‌ها غالباً دو معنا برای این واژه ذکر

شده است، معنای نخست آن در حوزهٔ معماری است: «هرآنچه

که مربوط به معماری است»؛ و معنای دوم آن در حوزهٔ فلسفه

است که به «سیستم‌سازی یا نظام‌سازی دانش‌ها» تعبیر شده

است.^{۱۰۱}

این معنای ثانوی آرشیئتکتونیک در رتوریک جدید به کار

آمده است. جیمز هریک معتقد است مک‌کی‌ین با استفاده از

اصطلاح آرشیئتکتونیک می‌خواهد به این اشاره کند که

رتوریک به‌مثابهٔ یک رشتهٔ اصلی به بقیه رشته‌ها، معرفت‌ها و

هنرها نظم و ساختار می‌دهد؛ زیرا رتوریک، در میان بقیهٔ علوم،

مطالعه دربارهٔ شیوهٔ ساماندهی تفکر هنگام مواجهه با موضوعات

متنوع و مختلف است.^{۱۰۲}

مک‌کی‌ین با تکیه بر همین قابلیت تألیف‌گری رتوریک،

فلسفی شناخت، ش. ۷۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۲۰۶.

۷۷. هنر آرشیئتکتونیک را به هنر انسجام نیز می‌توان ترجمه کرد.

78. Backman, "Introduction: Richard, McKeon and the Renaissance of Rhetoric", xii.
79. McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age: Architectonic Productive Arts", 197-205.

۸۰. تأمل در سبب تألیف اجزا و پاره‌های مختلف سخن در رکن دوم رتوریک، یعنی رکن ترتیبات، مطرح می‌شود.

81. Aristotle, *On Rhetoric: A Theory of Civic Discourse*, Translated by George A. Kennedy (Oxford University Press, 2006), 229.

82. text & context

۸۳. نک: پی‌یر فن مایس، *عناصر معماری از صورت تا مکان*. ترجمه فرزین فردانش (تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰).

۸۴. کریستوفر الکساندر در مجموعه کتاب‌های سرشت نظم، در فصل سوم ذیل کلیت و نظریه مراکز به همین تألیف و انسجام‌بخشی اجزای معماری و ساخت کلیت در مراتب مختلف اشاره می‌کند (کریستوفر الکساندر، *سرشت نظم: گزیده جلد اول: پدیده حیات*، ترجمه رضا سیروس صبری و علی اکبری (تهران: پرهام، ۱۳۹۶)، ۶۰-۷۸).

ت ۱. تألیف معرفت‌های دخیل در معماری و رتوریک، مأخذ: نگارندگان.

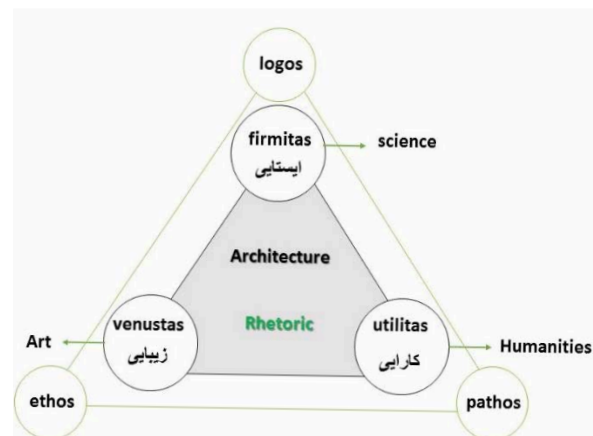
قاعده‌های ترکیب، تناسبات، و طراحی را با قراردادهای، عادت‌ها و عرف، مهارت‌ها و توانایی، و تجربه‌های ملموس، همه و همه را یکی می‌کند. آرشیئتکتونیک اصلاً یعنی چیزی که موجب این اتحاد می‌شود.^{۱۰۶}

به تعبیر دیگر، او معماری را به‌مثابه الگوی راهنمایی برای فهم رتوریک جدید معرفی می‌کند. از این منظر، معماری نیز دارای چنین قدرتی است که اجزا و موضوعات متنوع و مختلف را در قالب یک تصمیم واحد به وحدت می‌رساند و با یکدیگر تألیف می‌کند. وی می‌گوید:

معماری از قدیم یک هنر آرشیئتکتونیک بوده است؛ زیرا در معماری تخصص‌های متنوعی برای خلق یک محصول واحد به کار گرفته می‌شوند.^{۱۰۷}

همچنین از منظر مک‌کی‌نین

معماران و اهل رتوریک (رتور) هردو ایده‌ای کلی در ذهنشان تجسم می‌کنند و از متخصصان مختلف بهره می‌گیرند تا در نهایت تصوراتشان را خلق کنند. یک آرشیئتکتون، خواه معمار باشد و خواه یک رتوریسین، به هنرش از زاویه دیگری نگاه می‌کند که متفاوت با نگاه یک کاشی‌کار به کارش است. کاشی‌کار تمرکزش فقط بر فرم و عملکرد کار خودش است، ولی آرشیئتکتون از مرتبه‌ای بالاتر



به روابط کلی اجزای مختلف و موقعیت هر جزء در کل احاطه دارد و می‌تواند نقشه راهنمایی برای همه متخصصانی که زیر دستش کار می‌کنند عرضه کند.^{۱۰۸}

بنابراین با توجه به استعاره معماری در تبیین آرشیئتکتونیک می‌توان نتیجه گرفت که هنر آرشیئتکتونیک از منظر مک‌کی‌نین اشاره به ساماندهی و تألیف معرفت‌های نظری و عملی مختلف در قالب یک نظام منسجم و معنادار دارد. این ویژگی تألیف‌گری در رتوریک نظر به این دارد که رتور همه دانش‌های متکثر نظری را در یک موقعیت انضمامی عملی با یکدیگر تألیف و در قالب یک تصمیم آشکار می‌کند.^{۱۰۹}

با نظر کردن به مثلث رتوریک ارسطو نیز می‌توان تألیف معرفت‌های مختلف در رتوریک را شرح داد. گفته شد که از منظر ارسطو اقناع از سه طریق محقق می‌شود: لوگوس، اتوس، و پاتوس. به تعبیر دیگر، امر مشترک و مورد قبولی که می‌تواند میان مخاطب و خطیب تألیف ایجاد کند، هم در حوزه لوگوس است، مثل حوزه منطق یا علوم، هم در قلمرو پاتوس است که مربوط به قلمرو احساسات مخاطب است، و هم در حوزه اتوس است که در پی ایجاد اشتراک با تمسک به مشترکات عرفی و اخلاقی است. پس رتوریک را می‌توان محل تألیف معرفت‌های عقلانی، احساسی، عرفی، و فرهنگی دانست.

آشکار است که معماری نیز دقیقاً محل تالاقی و تألیف‌کننده چنین معرفت‌هایی است. معماری، از طرفی، شامل مباحث علمی و فنی است و آن را در زمره علوم مهندسی می‌خوانند و از جانب دیگر، شامل مباحث هنری و احساسی است و آن را در زمره هنرها به حساب می‌آورند، همچنین نظر به عرف و امور اجتماعی نیز دارد و آن را با علوم اجتماعی و انسانی پیوند می‌دهند. مثلث رتوریک ارسطو (لوگوس، پاتوس، و اتوس) و سه پایه معماری ویتروویوس (فرمیتاس، یوتیلیتاس، و ونوستاس) هردو مبین معرفت‌های متنوع دخیل در رتوریک و معماری هستند.

85. arts of joining
86. Kenneth Frampton. *Studies in Tectonic Culture: The Poetics of Construction in Nineteenth and Twentieth Century Architecture* (The MIT Press, 2001), 4.

۸۷. شمیسا، معانی (تهران: میترا، ۱۳۹۱)، ۱۹۵.

۸۸. یکی دیگر از تعابیر مهمی که مک‌کی‌بن در تبیین رتوریک جدید در کنار آرکی تکتونیک استفاده می‌کند اصطلاح پروداکتیو است. یعنی رتوریک عملی است که معطوف به تولید یک محصول و کنشی فعالانه در هستی است (نک: McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age", 197-205; Buchanan, "Design and the New Rhetoric: Productive Arts in the Philosophy of Culture", *Philosophy and Rhetoric*, vol. 34, (no. 3 (2001): 183-206

89. persuasion

90. Buchanan, *Dictionary of Critical Theory*.

91. William L. Nothstine and Martha Cooper, "Persuasion", in Theresa Enos (ed), *Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication from Ancient Times to the Information Age* (Routledge, 2011), 505.

92. Herrick, *The History & Theory of Rhetoric*, 3.

۹۳. این تأثیر با واژه اینفلوئنس influence بیان می‌شود که معنای جریان و سریان امری از نقطه‌ای به نقطه

است، بنابراین همان‌گونه که رتوریک مصداقی از «هنر تألیف» است، طراحی معماری نیز مصداقی دیگر از همان هنر است. همچنین با تعمق در موقعیت رتوریکال در رتوریک می‌توان ارمغان‌هایی برای حوزه معماری به بار آورد.

موقعیت رتوریکال مبین موقعیتی «پویا» و در حال تغییر و تحول^{۱۱۱}، «پپیچیده و نامتعیین»^{۱۱۲}، و «منحصربه‌فرد، جزئی، و ملموس»^{۱۱۳} است که شامل ضرورت‌ها^{۱۱۴}، محدودیت‌ها^{۱۱۵}، و مخاطبانی^{۱۱۶} با سائق‌ها و باورهای مختلف است و غایت آن خلق یک «محصول» یا اتخاذ یک «تصمیم» است.^{۱۱۷} دقیقاً مانند حوزه تصمیم و عمل انسان که در یک موقعیت پیچیده و چندوجهی و یکتا و منحصربه‌فرد باید تصمیمی گرفت. بنابراین تصمیم مناسب در موقعیت‌های مختلف بسته به شرایط متفاوت است و نمی‌توان انتظار داشت که قواعدی متعیّن، کلی، و عمومی و یا نسخه و دستورالعملی برای راهنمایی رتور وجود داشته باشد، بلکه رتور در موقعیت رتوریکال باید به «هنرها»یی همچنان بتواند محصولی منسجم و اقناع‌کننده تألیف کند.^{۱۱۸} پس در موقعیت رتوریکال علاوه بر آموختن معرفت‌های متنوع، تربیت و پرورش قوای درونی رتور نیز اهمیت می‌یابد؛ شاید حتی اهمیتی بیشتر.

موقعیت رتوریکال می‌تواند چارچوب نظری مناسبی برای موقعیت‌هایی باشد که معمار در آنها قرار می‌گیرد. موقعیت طراحی معماری نیز چون موقعیت رتوریکال، در عرصه امور محتمل و نامتعیّن است. تبیین مسائل طراحی به‌مثابه مسائل «بده‌ساختار»^{۱۱۹} دقیقاً اشاره به همین ویژگی مسائل طراحی دارد.^{۱۲۰} به همین علت است که هرگز برای خلق یک معماری خوب، برخلاف علوم دقیقه، مانند ریاضی یا شیمی، نمی‌توان راه حل و یا دستورالعمل مشخصی تجویز کرد، بلکه معمار خودش نقش فعالانه‌ای در تعریف و تبیین مسئله دارد. او هنگام

تصمیمی در قلمرو معماری و رتوریک، در آن واحد، پاسخی به هر سه وجه مذکور است. اما به‌نظر می‌رسد در حوزه معماری، ما همواره به‌صورت جداگانه به این وجوه مثلث نظر کرده‌ایم و کمتر توانسته‌ایم نگاهی کل‌نگر به ماهیت وحدت‌یافته آن بیاندازیم. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دلایل عدم انسجام و چندپارگی دانش معماری را غفلت نسبت به همین مطلب دانست.

همان‌طور که ذکر شد، معماری نیز، مانند رتوریک، خود دانشی تألیف‌کننده است که دانش‌ها و معرفت‌های متکثر نظری و عملی را در تصمیم‌های منجر به اثر معماری به وحدت می‌رساند. می‌توان گفت معماری نیز در بطن خویش این قابلیت تألیف‌گری را دارد و به همین دلیل است که اندیشمندان رتوریک نیز از استعاره معماری برای نشان دادن این قابلیت در رتوریک استفاده کرده‌اند، اما گویا سیطره نگاه تخصصی و جزءنگر دوره جدید نسبت به معماری، پرده‌ای بر فهم آن به‌مثابه هنر تألیف افکنده است. بنابراین همان‌گونه که اندیشمندان رتوریک برای نشان دادن قابلیت تألیف‌گری رتوریک به معماری تمسک جسته‌اند، ما نیز می‌توانیم برای تبیین و فهم بهتر معماری از رتوریک بهره بگیریم.

۲.۴. موقعیت رتوریکال و موقعیت طراحی معماری

موقعیتی که رتور در آن دست به تألیف هم‌زمان در همه مراتب مذکور می‌زند و درنهایت می‌تواند محصولی منسجم، اثرگذار، و اقناع‌کننده خلق کند، «موقعیت رتوریکال»^{۱۲۱} نام دارد. موقعیت رتوریکال مناسب‌ترین بستر برای فهم رتوریک به‌مثابه «هنر تألیف» است. نظریه موقعیت رتوریکال نظریه‌ای جامع در حوزه رتوریک است، که شرح تطورات تاریخی و بسط مفاهیم آن در این نوشتار نمی‌گنجد. در این مجال تنها با شرحی مختصر از ویژگی‌های این موقعیت نشان داده می‌شود که موقعیت‌هایی که معمار نیز در آن قرار می‌گیرد، مشابه موقعیت‌های رتوریکال

دیگر را دارد. از آنجاکه پس از این جریان، چیزی (نظر، حالت، یا احساسی) در میان هردو طرف اشتراک می‌یابد، تأثیرگذاری نوعی ایجاد اشتراک و وحدت بخشیدن میان دو امر است.

۹۴. یکی از موضوعات مهم در رتوریک، مواضع یا توپوس است که نشان می‌دهد که برای اینکه کسی را اقناع کنیم باید مواضع مشترکی با هم بیابیم (برای مطالعه بیشتر در باب مواضع نک: ارسطو، خطابه، ۲۶۳-۲۹۰).

95. common place
96. common sence
97. Farrell. "Common places", 116.
98. BALLARD and KOSKELA, "RHETORIC AND DESIGN", 35.

۹۹. البته شایان توجه است که گاه این اقناع، اقناع از طریق زبان است (مثلاً اقناع کارفرما و طراحان این گونه است) و گاه اقناع از طریق اثر معماری است.

100. architecture
101. Online Etymology Dictionary- <http://www.etymonline.com>
102. Herrick, *The History & Theory of Rhetoric*, 3.
103. McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age", 203.
104. Glenn Alexander Magee, *Architectonic, Truth, and Rhetoric*, *Philosophy & Rhetoric*, vol. 42, no. 1 (2009): 65-67.

۱۰۵. در قرون وسطی معمار را «مکانیکوس» و در دوره‌های قبل «آرکیتکتون» (آرشیئتکتون) می‌خواندند.

مواجهه با یک موقعیت طراحی در موقعیتی پیچیده و مبهم و چندلایه قرار می‌گیرد و باید بتواند ابتدا فهمی منسجم از آن موقعیت به‌دست آورد و مسئله را «قاب‌بندی» کند^{۱۱۱} و این دقیقاً مشابه کار رتور در موقعیت رتوریکال است.^{۱۱۲} همچنین طراح باید بتواند در چنین موقعیت نامتعیین و مبهمی مسائل متکثر و دانش‌ها و معرفت‌های مختلف را در یک تصمیم و یا محصول با یکدیگر تألیف کند. از آنجاکه موقعیت‌های طراحی معماری نیز شرایطی پویا و در حال تغییر دارند، اصول و قواعد ثابتی برای آموزش معمار هنگام مواجهه با موقعیت طراحی وجود ندارد، بلکه معمار باید به‌نحوی تربیت و به هنرهایی آراسته شود که از پس هر موقعیت خاص و منحصربه‌فرد برآید. از منظر دونالد شون، هر مسئله طراحی «جهانی یگانه» است و هیچ دو مسئله‌ای شبیه هم نیستند. همان‌گونه که اندیشمندان رتوریک آراسته بودن به نوعی «هنر» را برای پاسخ‌گویی به مسائل رتوریک لازم دانسته‌اند، شون نیز آراسته بودن به نوع خاصی از «هنر» را برای «از عهده‌تکالیف منحصربه‌فرد طراحی برآمدن» ضروری می‌داند.^{۱۱۳} به تعبیری، در عرصه معماری نیز تربیت معمار و پرورش قوای درونی او باید مقدم بر آموزش معماری باشد.

پس از فهم مشابهت موقعیت رتوریکال و موقعیت طراحی معماری، و نشان دادن اینکه معمار و رتور هر دو در موقعیت تألیف یک محصول منسجم برای ایجاد تأثیر اقناع‌کننده قرار دارند، این پرسش پیش می‌آید که چگونه رتور (معمار) می‌تواند در هر موقعیت بدیع، منحصربه‌فرد، و جزئی‌ای که قاعده‌هایی کلی برای آن وجود ندارد، همچنان کارش را به‌خوبی انجام دهد؟

با تعمق بر موقعیت رتوریکال می‌توان رتور را در چنین موقعیتی در دو مقام دانست که هر یک توانایی متناسب با خود را می‌طلبند: گاه در موقعیت ادراک^{۱۱۴} و تشخیص وحدت

قرار می‌گیرد و گاه در موقعیت ایجاد و خلق^{۱۱۵}. آن^{۱۱۶} در مقام نخست رتور با ایجاد انسجام و یافتن اشتراک میان اجزای متکثر موقعیت، به شناخت موقعیت و قاب‌بندی مسئله و در مقام دوم به تألیف میان اجزا برای خلق یک محصول می‌پردازد.^{۱۱۷} قوه‌ای در انسان که قادر است او را در این دو ساحت توانمند کند، قوه‌ای به نام «حس مشترک»^{۱۱۸} است. حس مشترک به‌مثابه یکی از قوای درونی انسان مورد توجه فیلسوفانی چون ارسطو و ابن‌سینا^{۱۱۹} بوده و بعدها ویکو آن را با مباحث رتوریک پیوند داده است.^{۱۲۰} به‌طور اجمالی می‌توان حس مشترک را به‌مثابه قوه‌ای در وجود انسان دانست که با توان تألیفگری انسان ارتباط وثیقی دارد. حس مشترک، از طرفی، با همدستی با قوه «یاد»^{۱۲۱} به ادراک و شناخت اشتراک‌ها می‌پردازد و از جانب دیگر، با همدستی با قوه «تخیل»^{۱۲۲} به ایجاد و خلق اشتراک و تألیف می‌پردازد. بنابراین از جمله مهم‌ترین قوایی که در وجود رتور باید تقویت شود، تا بتواند در موقعیت‌های پیچیده و مبهم تصمیمی بگیرد و محصولی خلق کند، قوه حس مشترک یاد و تخیل است.

روشن است که معمار نیز در موقعیت طراحی در این دو مقام قرار می‌گیرد و محتاج پرورش همان قوا برای از عهده برآمدن از چنین موقعیت‌هایی است. اما در آموزش معماری تنها اندکی سخن از پرورش قوه تخیل زده می‌شود. همچنین از حافظه نه به‌مثابه یک قوه شناختی، بلکه به‌مثابه مخزنی برای صورت‌ها سخن گفته می‌شود، و قوه‌ای به نام حس مشترک به‌طور کلی مغفول می‌ماند.

مؤخره

چنانچه نشان داده شد، با فهم رتوریک به‌مثابه «هنر تألیف»، نسبت رتوریک و معماری به‌نحو دیگری و فراتر از استفاده از امکانات ارتباطی رتوریک در معماری و یا پیوندی میان رشته‌ای

مکانیکوس اشاره به شأن نظری معماری دارد. حال آنکه آرکیتکتون به پیوند نظر و عمل اشاره دارد.

Stephen Parcel, *Four Historical Definition of Architecture* (Mc Gill- Queens university press. 1954), 56.

106. McKeon, "The Use of Rhetoric in a Technological Age", 199.

107. Ibid, 202.

108. Backman, "Introduction: Richard, McKeon and, the Renaissance of Rhetoric", xxiii.

۱۰۹. موضوع تألیف دانش‌های نظری در موقعیت عملی برای اتخاذ یک تصمیم واحد، دقیقاً مشابه اتفاقی است که در حکمت عملی و توسط فرونیوموس می‌افتد. ارسطو نیز با ذکر آرشیکتونیک می‌گوید قاعده‌هایی کلی وجود دارد که فرونیوموس یعنی حکیم عملی با نظر به آنها، از یک طرف، و با توجه به موقعیت خاص مسئله، از جانب دیگر، تصمیمی اتخاذ می‌کند. بنابراین روشن است که رتوریک در هر حوزه‌ای که انسان می‌خواهد مداخله‌ای در هستی کند و به تعبیری عمل (پراکسیس) محقق شود، به‌مثابه مفصل پیونددهنده نظر و عمل حضور دارد.

110. Rhetorical Situation

111. Donna Gorrell, "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 30, no. 4 (1997): 401.

112. Indeterminate: Scott

می‌دهد که موضوع معماری صورت‌ها، فرم‌ها، ساخت‌مایه‌ها، یا حتی فضاها (به‌تنهایی) نیست. معمار معرفتی درباره همه اینها و درباره چیزهای دیگر دارد، اما گویا معماری نیز مانند رتوریک همان دانش، هنر، و معرفتی است که در واقع موضوع ندارد، بلکه موضوعش تألیف و انسجام‌بخشی به انواع معرفت و ایجاد آن کل واحد است. همین معنا از معماری است که در کلمه آرشیکتونیک به‌صورت پنهان حضور دارد، و فهمی از معماری را از گذشته در این مفهوم حفظ کرده و به امروز آورده است. بنابراین، معماری که امروز از معنای خود بسیار دور شده و بزرگ‌ترین مسئله‌اش شده است عدم انسجام! روزگاری مثال انسجام بوده است. از این‌رو در گذشته، رتوریک برای شناختن خود، خود را در آینه معماری دیده و تاریخ غنی اندیشه در باب رتوریک را برپا کرده است. امروز معماری‌ای که انسجام خود را از دست داده است، باید برگردد و برای بازشناختن خود به این میراث غنی نگاه کند و خود را در آینه هنر انسجام یعنی رتوریک دوباره ببیند. در شیوه‌های آموزش رتوریک، در تربیت رتور، در شیوه‌های انسجام‌بخشی، و ... در همه اینها معماری می‌تواند معناهای مغفولی از خود را باز یابد و بفهمد. معناهایی که امروز به‌شدت با آنها بیگانه است، از آنها سخن می‌گوید اما آنها را نمی‌شناسد. مانند کسی که نسب و تبار خود را نمی‌شناسد.

دعوت از واژگان رتوریکی در تئوری‌های جدید معماری مانند آوردن اجداد شخصی به یک میهمانی در خانه اوست، بدون اینکه آنها را به‌جای آورد و بشناسد. وضعیتی است مشابه وضعیت فرزندی که پدر خویش را نمی‌شناسد، اما سال‌های چندی است که او را به خانه خود دعوت کرده است و مانند غریبه‌ای با او زندگی می‌کند. غم‌انگیزترین لحظه‌ها جایی است که در متون معماری می‌بینیم که مفهوم آرشیکتونیک به واژه‌های بسیار نامربوطی ترجمه می‌شود.^{۱۱۶} بازشناسی و

برقرار می‌شود. در پرتو چنین فهمی، می‌توان نشان داد که موقعیت‌های مختلف معمار در حین کار معماری درست مشابه موقعیت رتور هنگام انعقاد سخن است. معمار و رتور هر دو، در قلمرو امور محتمل، به قصد تصرف و تغییر و تأثیر در جهان به تصمیم و انتخاب می‌پردازند. ایشان برای رسیدن به تصمیم، محتاج تألیف و انسجام در ساحت اندیشه، احساس، و فهم انسانی هستند؛ یعنی رتوریک و معماری هر دو معرفت ایجاد انسجام در موقعیت‌های رتوریکال هستند. تعمق در این موقعیت‌ها و موضوعات می‌تواند در قلمرو معماری بسیار راهگشا باشد.

طرح نظریه «موقعیت رتوریکال» از این حیث اهمیت دارد که این موقعیت طبق تعریف به‌طور هم‌بسته و کل‌نگر دیده می‌شود و نمی‌توان اجزای آن را به‌طور مجزا از هم ملاحظه کرد. مفروض مهم نظریه «موقعیت رتوریکال» این است که تقلیل یک کل پیچیده و زنده به جزء، وجه، یا ساحتی خاص از آن موجب کژفهمی و آسیب در فهم و شناخت می‌شود.^{۱۱۳} موقعیت رتوریکال به اعتبار «موقعیت» نامیده شدنش از «کل» مراقبت می‌کند و از تجزیه‌گری، ساده‌سازی، و ساده‌انگاری تن می‌زند. از طرفی، معماری بر اثر غلبه نگاه کمی‌نگر و رشته‌ای جدید^{۱۱۴} و دور شدن از حرفه و ده‌ها علت دیگر دچار مسئله عدم انسجام در همه لایه‌ها و سطوح شده است. به‌نحوی که «مهم‌ترین مسئله معماری امروز را می‌توان مسئله عدم انسجام» دانست.^{۱۱۵} طرح مکرر این مسئله نزد اندیشمندان معماری، به‌ویژه در نیم‌قرن اخیر، خود گواهی بر اهمیت موضوع عدم انسجام در آموزش و تئوری معماری است. در چنین شرایطی، «معرفت انسجام» همان معرفتی است که به کار معماری و حل کردن بزرگ‌ترین معضل آن می‌آید؛ اما این از سنخ به کار گرفتن رتوریک در معماری نیست، بلکه مسئله پیوند حقیقی دو حوزه معرفتی در یک زمینه کلی‌تر و وسیع‌تر است.

تعمق بر واژه آرشیکتونیک از نظرگاه رتوریک به ما نشان

- Consigny, "Rhetoric and Its Situations", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 7, no. 3 (Summer, 1974): 180.
113. particular & concrete: Gorrell. "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram", 398.
114. exigence
115. constraints
116. audience
117. Lloyd F. Bitzer, "The Rhetorical Situation", *Philosophy & Rhetoric*, vol. 1, No. 1 (Jan., 1968): 6.
118. Consigny, "Rhetoric and Its Situations", 178.
119. ill structure
120. Herbert A. Simon "The Structure of Ill Structured Problems", *Artificial Intelligence*, vol. 4, no. 34 (1973): 181-201.
۱۲۱. فرهاد شریعت راد و حمید ندیمی، «قاب‌بندی مسئله؛ راه طراحانهٔ رویارویی با مسئلهٔ طراحی». صفحه، ش. ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۵-۲۴.
122. Richard E. Vatz, "The Myth of the Rhetorical Situation", *Philosophy and Rhetoric*, vol. 6, no. 3 (1973): 154-161.
123. D.A. Schon, "Toward a Marriage of Artistry & Applied Science In the Architectural Design Studio", *Journal of Architectural Education*, vol. 41, no. 4. (Summer, 1988): 4-10.
124. perception
125. creation

به جای آوردن این پدژ تحولی در فهم معماری از خودش ایجاد می‌کند. پس معماری امروز که به‌طور کلی از ریشه‌هایش بریده شده است، در پرتو پیوند با رتوریک می‌تواند بار دیگر به ریشه‌های خود رجوع کند. معماری اگر در آینهٔ رتوریک خود را بنگرد، گویا شاکلهٔ وحدت پیشین خود را می‌تواند بازشناسد. رتوریک مانند چارچوب مفهومی جدیدی که به‌طور کل‌نگر و به‌هم‌پیوسته به تصمیم و عمل آدمی و به نیروی اندیشه در اثر گذاشتن بر دیگران می‌نگرد، می‌تواند بار دیگر معماری را به وحدت و انسجام نزدیک کند.

اگر رتوریک به‌مثابهٔ تألیف و یا معرفت انسجام فهمیده شود، در پژوهش‌های آتی، در پرتو چنین فهمی از رتوریک و نسبت آن با معماری، در دو حوزهٔ تئوری و آموزش معماری می‌توان بازاندیشی و شکاف‌های موجود در این عرصه‌ها را مرتفع کرد؛ مثلاً می‌توان در این باب اندیشید که چگونه رتوریک می‌تواند شکاف‌های موجود در تئوری‌ها و نظریه‌های معماری را برطرف کند. می‌توان نشان داد که در پرتو چنین فهمی از رتوریک و پیوند آن با معماری نظریات و مانیفست‌های افراطی معماری از قبیل کارکردگرایی^{۱۳۷}، صورتگرایی^{۱۳۸}، و ... که هر یک جانب یکی از معرفت‌های دخیل در معماری را می‌گیرند، مجالی برای ظهور نمی‌یابند. مثلث رتوریکی اقناع و موقعیت رتوریکال با نشان دادن مدخلیت هم‌زمان معمار و کاربر (مخاطب) در تکوین اثر و همچنین همبستگی معرفت‌های نظری، عملی، و صناعی در معماری، از به‌وجود

منابع

احمدی، محمد و تقی پورنامداریان. «درآمدی بر مهم‌ترین معانی اصطلاح رتوریک». در *مطالعات زبان و ترجمه*، ش. ۱ (بهار ۱۳۹۶): ۲۷-۵۲.

ارسطو. *خطابه*. ترجمهٔ اسماعیل سعادت. تهران: هرمس، ۱۳۹۲.

آمدن شکاف در پیکرهٔ نظریه‌های معماری جلوگیری می‌کند؛ و شکاف‌هایی چون شکاف میان کارایی و زیبایی، شکاف میان صورت و معنای اثر، شکاف میان کاربر و معمار که همگی ناشی از بی‌توجهی متوازن به همهٔ رئوس این مثلث و فقدان درک موقعیت رتوریکال معماری هستند، در پرتو چنین فهمی مرتفع خواهند شد.

همچنین در پژوهش مفصل دیگری می‌توان در باب روش‌های آموزش رتوریک و چگونگی ایجاد انسجام میان آموزش‌های نظری و عملی آن در طول تاریخ اندیشید و از این درگاه در باب آموزش معماری و مهم‌ترین مسئلهٔ آن، یعنی عدم انسجام میان دروس نظری و عملی، بازاندیشید. علاوه بر این، با تعمق در موقعیت رتوریکال می‌توان پارادایم غالب آموزش در مدارس معماری را تغییر داد. همان‌طور که ذکر شد، در موقعیت رتوریکال بیش از آنکه آموزش اصول و قواعد مهم باشد، هدف تربیت انسان باتدبیری است که بتواند در چنین موقعیت‌هایی، مناسب‌ترین تصمیم‌ها را بگیرد. بنابراین تربیت بر آموزش مقدم خواهد بود. روشن است از آنجاکه معمار نیز همواره در موقعیت‌های رتوریکال باید تصمیم بگیرد، بیشتر محتاج تقویت قوهٔ تشخیصی است تا یاد گرفتن اصول و قواعد خاصی برای معماری کردن. پس با اتکا به دانش رتوریک و فهم آن به‌مثابهٔ «هنر تألیف»، می‌توان امیدوار تحولات سازنده‌ای در دو حوزهٔ تئوری و آموزش معماری بود که شرح و بسط هر یک از آنها می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

الکساندر، کریستوفر. *سرشت نظم: گزیدهٔ جلد اول: پدیده حیات*. ترجمهٔ رضا سیروس صبری و علی اکبری. تهران: پرهام، ۱۳۹۶.

تاتارکویچ، ووادیسواف. «زیبایی‌شناسی آلبرتی». ترجمهٔ سیدجواد

126. Gorrell, "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram", 396.

۱۲۷. پاتسون نیز به این دو کار تئور در موقعیت رتوریکال اشاره می‌کند و می‌نویسد: «موقعیت رتوریکال یک فرایند دوجانبه است. از طرفی، موضوع آن شناخت، تشخیص، و وضوح و دقت ادراک است و از جانب دیگر، یک عمل تعددی، انسانی و هنری است»

(John H. Patton, "Causation and Creativity in Rhetorical Situations: Distinctions and Implications". *Quarterly Journal of Speech*, vol. 65, Issue 1 (1979): 45).

128. common sense

۱۲۹. ابوعلی سینا در فن ششم در کتاب *شفا*، به مبحث حس مشترک پرداخته است و بیان کرده است که یکی از قوای نفس، قوه حس مشترک و یا بنطاسیا (معرب فانتازیا) است. نه مترجمان و نه شارحان به این توجه نکرده اند که چرا کلمه بنطاسیا که در کتب دیگر به تخیل ترجمه شده است را ابوعلی به راحتی در مقابل حس مشترک می‌گذارد. این امر خبر از پیوند وثیق قوه تخیل و حس مشترک می‌دهد (نک: محمدجواد فریزنده، «درس‌گفتارهای هرمنوتیک» (دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹)؛ همچنین برای مطالعه بیشتر نک: سیدجعفر سجادی، فرهنگ علوم عقلی: شامل اصطلاحات فلسفی، کلامی، منطقی، ۲۳۴، ۱۳۰.

۱۳۰. راند فریزنده، «وجه استعاری فهم در

فریزنده، راند. «وجه استعاری فهم در هرمنوتیک ضدکارتری ویکو». *دوفصلنامه فلسفی شناخت*، ش. ۷۲ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۲۰۳-۲۱۳.

فریزنده، محمدجواد. «درس‌گفتارهای هرمنوتیک»، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.

فن مایس، پی.یر. *عناصر معماری از صورت تا مکان*. ترجمه فرزین فردانش. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

مهجوی دامغانی، احمد. «در باب بلاغت». در سیدعلی محمد سجادی (و.)، *حاصل اوقات*، تهران: سروش، ۱۳۸۱.

ندیمی، حمید. «درآمدی بر مبحث انسجام در آموزش معماری». *هنرنامه*، ش. ۱ (پاییز ۱۳۷۷): ۷۶-۸۹.

وایشه، آ. «فن سخنوری». در *زبان‌شناسی و ادبیات: تاریخچه چند اصطلاح*. ترجمه کورش صفوی. تهران: هرمس، ۱۳۷۷، ۲۵۹-۲۷۸.

ویتاله، فرانچسکو. «ژاک دریدا و سیاست معماری». ترجمه پویا ایمانی. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش. ۱۱۳ (شهریور ۱۳۹۴)، ۴۲-۴۵.

ویتروویوس، پولیو. *ده کتاب معماری*. ترجمه ریما فیاض. تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۸.

Aristotle. *On Rhetoric: A Theory of Civic Discourse*. Translated by George A. Kennedy. Oxford University Press, 2006.

Backman, Mark. "Introduction: Richard, McKeon and, the Renaissance of Rhetoric". in Richard Peter McKeon, *Rhetoric: Essays in Invention and Discovery*, Published by Ox Bow Pr., 1987.

Ballard, Glenn and Lauri Koskela. "RHETORIC AND DESIGN". in *International Conference on Engineering Design*, Seoul: Sungkyunkwan University, 2013.

Barthes, Roland. "The Rhetoric of the Image". in Stephen Heath (ed.). *Image Music Text*, Hill and Wang, 1977, 32-52.

Bitzer, Lloyd F. "The Rhetorical Situation". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 1, No. 1 (Jan., 1968): 1-14.

Black, Edwin. *Rhetorical Criticism: A Study in Method*. New York: Macmillan, 1965.

Blair, Hugh. "Lectures on Rhetoric and Belles Lettres". in *Biblio Life*, vol. 2, 2011.

Buchanan, Ian. (ed.). *Dictionary of Critical Theory*. Oxford University Press, 2018.

Buchanan, Richard. "Declaration by Design: Rhetoric, Argument, and Demonstration in Design Practic". *Design Issues*, vol. 2, no. 1 (Spring, 1985): 4-22.

_____. "Design and the New Rhetoric: Productive Arts in the Philosophy of Culture". *Philosophy and Rhetoric*, vol. 34, no. 3 (2001): 183-206.

فندرسکی. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش. ۱۰ (دی ۱۳۹۱): ۳۹-۴۴.

تفضلی، زهره. «فهم معماری به‌مثابه رشته دانشگاهی؛ مقتضیات و امکان‌ها، فرض‌ها و پرسش‌ها». *صفه*، ش. ۴ (زمستان ۱۳۹۴): ۵-۲۶.

دلبری، حسن. «بلاغت سکوت، به‌مثابه غیاب پیش‌اندیشیده کنش کلامی و تعامل کارآمد آن با متن». *مطالعات زبانی بلاغی*، ش. ۲۰ (۱۳۹۸): ۲۰-۲۲۰.

دیکسون، پیتر. *خطابه*. ترجمه حسن افشار. تهران: مرکز، ۱۳۸۹.

سجادی، سیدجعفر. *فرهنگ علوم عقلی: شامل اصطلاحات فلسفی، کلامی، منطقی*. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۱.

شریعت راد، فرهاد و حمید ندیمی. «قاب‌بندی مسئله: راه طراحانه رویارویی با مسئله طراحی». *صفه*، ش. ۳ (پاییز ۱۳۹۵): ۵-۲۴.

شمیسا، سیروس. *معانی*. تهران: میترا، ۱۳۹۱.

عمارتی مقدم، داوود. *بلاغت از آتن تا مدینه: بررسی تطبیقی فن خطابه یونان و روم باستان و بلاغت اسلامی تا قرن پنجم هجری قمری*. تهران: هرمس، ۱۳۹۵.

_____. "Rhetoric, Humanism and Design". *Discovering Design: Explorations in Design Studies*, no. 23 (1995): 23-66.

Consigny, Scott. "Rhetoric and Its Situations". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 7, no. 3 (Summer, 1974): 175- 186.

Dickinson, Greg Dickinson & Casey Malone Maugh. "Placing Visual Rhetoric: Finding Material Comfort in Wild Oats Market". in Charles A. Hill & Marguerite Helmers(eds.), *Defining Visual Rhetorics*, Routledge, 2004.

Durmus, Serap & Sengül ÖYMEN GÜR. "Rhetoric Reading in Architecture: A Methodology Attempt". *The Journal of International Social Research*, vol. 7, Issue 31 (2014): 481-488.

Eck, Carolin van and Edward Winters (eds.). *Dealing with the Visual: Art History, Aesthetics and Visual Culture*. Routledge, 2017.

Eck, Caroline van. *Classical Rhetoric and the Arts in early Modern Europe*. Cambridge University Press, 2007.

Farrell, Thomas B. "Commonplaces". in Theresa Enos (ed). *Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication from Ancient Times to the Information Age*. Routledge. 1996, 116.

Foss, Sonja K. "Theory of Visual Rhetoric". in Ken Smith , Sandra Moriarty , Gretchen Barbatisis , Keith Kenney (eds.). *Handbook of Visual Communication: Theory, Methods, and Media*. Routledge, 2005, 141-152.

Frampton, Kenneth. *Studies in Tectonic Culture: The Poetics of Construction in Nineteenth and Twentieth Century Architecture*.

The MIT Press. 2001.

Frith, Stephen. "A Primitive Exchange on Rhetoric and Architectural Symbol". Arq: *Architectural Research Quarterly*, vol. 8, no. 1 (March 2004): 39-45.

Gorrell, Donna. "The Rhetorical Situation Again: Linked Components in a Venn Diagram". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 30, no. 4 (1997): 395-412.

Gottschalk Druschke, Caroline and Bridie McGreavy. "Why Rhetoric Matters for Ecology". *Frontiers in Ecology and the Environment*, vol. 14 (February 2016): 46-52.

Gutschwager, Gerald A. "Architecture in a Changing World: The New Rhetoric of Form". *Journal of Architectural Education*, vol. 49, no. 4 (May, 1996): 246-258.

Hattenhauer, Darryl. "The Rhetoric of Architecture: A Semiotic Approach". *Communication Quarterly*, vol. 32, no. 1 (1984): 71-77.

Hauser, Gerard A. and Donald P. Cushman. "McKeon's Philosophy of Communication: The Architectonic and Interdisciplinary Arts". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 6, no. 4 (Fall 1973): 211-234.

Hobbs, Catherine L. *Rhetoric on the Margins of Modernity: Vico, Condillac, Monboddo*. Southern Illinois University Press, 2002.

James A, Herrick. *The History & Theory of Rhetoric*. Routledge, 2018.

Jones, Candace and Reut Livne-Tarandach. "Designing a Frame: Rhetorical Strategies of Architects". *Journal of Organizational Behavior*, vol. 29, no. 8 (2008): 1075-1099.

Kirkbride, Robert. "Rhetoric & Architecture". in Michael J. MacDonald (ed.). *The Oxford Handbook of Rhetorical Studies*, Oxford University Press, 2020.

Koskela, Lauri Jaakko and Glenn Ballard. "The Two Pillars of Design Theory: Method of Analysis and Rhetoric". in *International Conference on Engineering Design*, Sungkyunkwan University, Seoul, Korea, 2013.

Magee, Glenn Alexander. "Architectonic, Truth, and Rhetoric". *Philosophy & Rhetoric*, vol. 42, no. 1 (2009): 59-71.

McKeon, Richard Peter. "The Use of Rhetoric in a

Technological Age: Architectonic Productive Arts". in Zahava K. McKeon and William G. Swenson (eds.), *Selected Writings of Richard McKeon, Volume 2: Culture, Education, and the Arts*, The University of Chicago press. 2005, 197-205.

_____. *Rhetoric: Essays in Invention and Discovery*. Published by Ox Bow Pr., 1987.

Nothstine, William L. and Martha Cooper. "Persuasion". in Theresa Enos (ed). *Encyclopedia of Rhetoric and Composition: Communication from Ancient Times to the Information Age*, Routledge, 2011, 505-512.

Parcel, Stephen. *Four Historical Definitions of Architecture*. Mc Gill- Queens university press. 1954.

Patton, John H. "Causation and Creativity in Rhetorical Situations: Distinctions and Implications". *Quarterly Journal of Speech*, vol. 65, Issue 1 (1979): 36-55.

Schon, Donald A. "Toward a Marriage of Artistry & Applied Science in the Architectural Design Studio". *Journal of Architectural Education*, vol. 41, no. 4. (Summer, 1988): 4-10.

Sheridan, Thomas. *British Education*, Routledge, 1756.

Simon, Herbert A. "The Structure of Ill Structured Problems". *Artificial Intelligence*, vol. 4, no. 34 (1973): 181-201.

Sloane, Thomas O. (ed.). *Encyclopedia of Rhetoric*. Berkeley: University of California, 2001.

Smith, Christine. *Architecture in the Culture of early Humanism: Ethics Aesthetics and Eloquence 1400-1470*. New York: Oxford University Press. 1992.

Smithson, Alison and Peter Smithson. *Without Rhetoric: An Architectural Aesthetic, 1955-1972*. The MIT Press. 1974.

Tostrup, Elizabeth. *Architecture and Rhetoric, Text and Design in Architectural Competitions*. Oslo 1939-1996: Andreas Papadakis Publisher, 1999.

Vatz, Richard E. "The Myth of the Rhetorical Situation". *Philosophy and Rhetoric*, vol. 6. no. 3 (1973): 154-161.

Wuellner, Cynthia Frewen. "Towards a Rhetoric of Architecture: A Framework for Understanding Cities". PhD Communication Studies/Visual Rhetoric. University of Kansas, 2008.

هرمنوتیک ضدکارتی ویکو، ۲۰۷.

131. memory

132. imagination

۱۳۳. برای مطالعه بیشتر نک:

Consigny, "Rhetoric and Its Situations", 175-186

۱۳۴. با اینکه بسیار تلاش شده است که

معماری در قالب رشته تخصصی معرفی

شود، اما سابقه نشان می‌دهد که معماری از

تخصصی شدن ابا دارد؛ چون همواره محل

حضور و تلاقی چندین رشته تخصصی

است. و توقع می‌رود که جمع‌کننده میان

آنها باشد. این ویژگی گسترده بودن و

محل تلاقی چندمعرفت و چندرشته بودن

عیناً در رتوریک هم هست. گویا هر دو در

جستجوی دستیابی به کلی منسجم از

اجزای متنوع و متعدد هستند (برای مطالعه

بیشتر نک: تفضلی، زهره. «فهم معماری

به‌مثابه رشته دانشگاهی؛ مقتضیات و

امکان‌ها، فرض‌ها و پرسش‌ها». صغه،

ش. ۴ (زمستان ۱۳۹۴): ۵-۲۶.

۱۳۵. نک: حمید ندیمی، ندیمی، حمید.

«درآمدی بر مبحث انسجام در آموزش

معماری». هنرنامه، ش. ۱ (پاییز ۱۳۷۷):

۷۶-۸۹.

۱۳۶. مثلاً ویتالیه آرشیکتونیک را به

ساختمان‌شناسی ترجمه کرده است

(فرانچسکو ویتالیه، «ژاک دریدا و سیاست

معماری». ترجمه پویا ایمانی. اطلاعات

حکمت و معرفت، ش. ۱۱۳ (شهریور

۱۳۹۴): ۴۲-۴۵.

137. Functionalism

138. Formalism

■ The Relationship between Architecture and Rhetoric; A Rethinking of Common Roots

Zoha Nadimi, PhD

Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

Kazem Mandegari, PhD* 

Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Yazd University, Yazd, Iran

Zohreh Tafazzoli, PhD

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Nadimi, Z., Mandegari, K., and Tafazzoli, Z., 2023. The Relationship between Architecture and Rhetoric; A Rethinking of Common Roots. *Soffeh*. 103 (4): 5-6.

Looking at the history of architectural theories, and with reference to the opinions of thinkers, one can see architecture and rhetoric as mutually related throughout history. It seems that reflecting on this relationship can open up new horizons for architectural thought. But the changing meaning of rhetoric has resulted in a variety of relationship levels, resulting in different gifts for architecture.

This paper starts with an exploration three different levels of relationships, resulting from three corresponding understandings of rhetoric. The first defines rhetoric as communication, the second as the art of speaking. But the third emanates from the thoughts of those design scholars who, whilst contemplating rhetorical relations and design matters, do not see use rhetoric as speech, communication or the art of speaking, but as an art of composition. From this point of view, rhetoric and architecture are both knowledges of composition. This paper argues that the latter has opened the door to the deepest understandings of rhetorical knowledge and the most fruitful link between rhetoric and architecture. In response to the haphazard literature associated with this view, the paper expands on rhetoric as 'the art of composition', and then moves on to identify three levels of rhetoric composition, namely, composing people's horizons (conviction), knowledges and insights. The important issue of architecture today,

*. Corresponding Author:
Email Address. mandegari@yazd.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFFEH.2021.222721.1058>



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

the paper argues, is the lack of shared horizons between architects and their audiences, as well as the lack of coherence between the various architectural knowledges and insights. By understanding rhetoric as the art of composition and linking architecture and rhetoric in the light of this understanding, one can look at architecture from a different perspective and restore the missing coherence in architecture.

Keywords: Rhetoric, Composition, Architecture, Integrity.